شوق حضور

۱۰۱

فرهنگی،آموزشی، اجتماعی و خبری
آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش (عبدا... هنری) مشهد

ویژه نامه سال ۱۴۰۴



هر روز جوانه‌ای تازه از امید به زندگی

عکس از : جعفر واله



فرش مشهد

فرش مشهد ، فرش برتر

www.MASHADCARPET.COM

فهرست شعب فرش مشهد، در سراسر کشور

۱. ابهر: میدان ولیعصر ۵۲۲۳۲۶۰
۲. اصفهان: پل آذر ۶۲۹۰۵۲۶
۳. ارومیه:بلوار آزادگان ۳۴۶۶۸۷۸
۴. اراک: خیابان محسنی ۲۲۶۹۹۱۲
۵. اردکان: بلوارشهید بهشتی ۷۲۵۱۱۱۵
۶. اهواز: کوی ملت، خیابان دانیال ۴۴۸۰۴۲۱
۷. بابل: امیرکلا، خیابان امام ۳۲۴۸۱۱۸
۸. بابلسر: روبه روی شهرک دریاکنار ۵۲۲۶۷۰۲
۹. بجنورد: خیابان دکتر شریعتی جنوبی ۲۲۲۴۲۴۴
۱۰. بندر انزلی: خیابان مطهری ۴۲۴۸۸۹۲
۱۱. بندر عباس: بلوار سید جمال الدین ۲۲۲۳۶۵۹
۱۲. بندر بوشهر: خیابان لیان ۲۵۴۱۳۴۳
۱۳. بیرجند: خیابان مدرس ۴۴۳۰۰۹۶
۱۴. تاکستان: خیابان آیت الله سعیدی ۵۲۲۸۹۳۹
۱۵. تهران: خیابان شهید آیت(نارمک) ۷۷۹۰۰۰۷۷
۱۶. تهران:ضلع شمالی میدان هفت تیر ۸۸۳۰۱۱۵۵
۱۷. تهران : نازی آباد ۵۵۳۴۸۴۶۲
۱۸. تهران: نازی آباد ۵۵۰۴۳۷۶۲
۱۹. تهران: یافت آباد ۶۶۳۱۹۲۲۴
۲۰. تهران: میدان قیام ۳۳۵۶۳۶۰۲
۲۱. تهران:پایین تر از چهار راه سیروس ۵۵۱۶۳۷۳۲
۲۲. تهران: خیابان امام حسین ۷۷۵۶۷۴۰۰
۲۳. تهران: خیابان مصطفی خمینی ۳۳۱۳۹۱۹۷
۲۴. تهران: خیابان مصطفی خمینی ۳۳۱۳۱۲۴۴
۲۵. تربت حیدریه: خیابان باغ ملی ۲۲۲۷۵۵۵
۲۶. تربت حیدریه: نبش کاشانی ۲۲۳۱۳۰۶
۲۷. تربت جام: خیابان مدرس ۲۲۴۱۰۴
۲۸. تربت جام:خیابان موسی ابن جعفر ۲۲۳۰۲۷۴
۲۹. رشت: خیابان تختی ۲۲۴۰۸۴۱
۳۰. رشت: میدان صیقلان ۳۲۲۵۹۹۴
۳۱. زنجان: خیابان امام ۳۲۲۲۴۶۹
۳۲. ساری: بلوار خزر ۳۲۰۱۰۴
۳۳. سبزوار: میدان کارگر ۲۲۹۰۳۹۷
۳۴. سمنان: بلوار ۱۷ شهریور ۳۳۴۵۳۵۵
۳۵. سنندج: خیابان کشاورز ۳۲۸۲۹۵۹
۳۶. شاهرود: خیابان فردوسی ۲۲۲۰۵۹۰
۳۷. شیراز: خیابان وصال شمالی ۳۲۲۴۲۷۰
۳۸. شهرضا: خیابان ابوذر ۲۲۲۶۰۹۱
۳۹. شیروان: خیابان امام رضا ۶۲۲۸۵۸۵
۴۰. فریمان: خیابان رجائی ۶۲۲۹۱۳۴
۴۱. قزوین: چهار راه نادری ۲۲۲۶۰۷۷
۴۲. قزوین: خیابان نادر جنوبی ۲۲۳۸۴۸۹
۴۳. قم: بلوار عطاران ۲۹۳۲۹۲۸
۴۴. قوچان: میدان فلسطین ۲۲۴۶۳۲۳
۴۵. کرج: خیابان دکتر بهشتی ۳۲۲۶۵۶۸۲
۴۶. کرج: فردیس ۳۶۵۰۲۰۵۵
۴۷. علی آباد کتول: بلوار امام رضا ۶۲۳۵۶۲۶
۴۸. گرگان: خیابان شهید بهشتی ۳۳۵۹۲۹۸
۴۹. مشهد: بلوار هنرور ۷۵۳۸۲۸۸
۵۰. مشهد: بلوار هاشمیه ۸۸۳۶۴۵۶
۵۱. مشهد: قاسم آباد ۶۶۷۶۵۰۲
۵۲. مشهد: قاسم آباد ۶۶۱۱۷۸۹
۵۳. مشهد: قاسم آباد ۶۶۳۶۷۷۲
۵۴. مشهد: پنجراه سناباد ۸۴۱۴۶۱۹
۵۵. مشهد: چهار راه آزاد شهر ۶۰۹۲۰۲۵
۵۶. مشهد: خیابان مطهری ۷۲۴۸۷۹۲
۵۷. مشهد: خیابان شیرودی ۳۶۵۵۵۷۰
۵۸. مشهد: بلوار معلم ۸۹۲۸۰۷۷
۵۹. مشهد: میدان گنبد سبز ۸۵۴۵۶۴۸
۶۰. مشهد: چهار راه عشرت آباد ۲۲۵۷۷۴۱
۶۱. مشهد: چهار راه ابوطالب ۷۲۲۲۳۳۲
۶۲. مشهد: طلاب، بلوار ابوریحان ۲۷۱۳۱۸۸
۶۳. نهاوند: خیابان ۱۷ شهریور ۳۲۴۶۱۵۴
۶۴. نیشابور: چهارراه دارایی ۳۳۳۹۶۷۶
۶۵. نیشابور: بلوار بعثت ۳۳۴۳۸۰۸
۶۶. همدان: خیابان شریعتی ۲۵۱۸۲۲۲
۶۷. یزد: بلوار جمهوری ۵۲۳۳۱۷۵
۶۸. یزد: میدان مارکار ۶۲۶۶۰۹۸

شوق حضور

فصلنامه فرهنگی آموزشی اجتماعی خبری

مؤسسه خیریه توانبخشی و نگهداری معلولین جسمی حرکتی شهید فیاض بخش (عبدا... هنری) مشهد

حضرت رضا علیه السلام:

خداوند توانمندان را مکلف کرده است که امور بیماران از کار افتاده و بلا دیدگان را سامان دهند

مسند الامام الرضا(ع)، جلد۲، ص ۲۰

شورای سیاست گذاری : هیأت مدیره

مدیر مسئول: یوسف کامیار

مدیر تولید محتوا، ایده پرداز و ویراستار: سیده حشمت نبوی

هیأت تحریریه: فرزانه شیخ، سیده حشمت نبوی، مهدی عیدیان، محبوبه فرامرزی

نام و یاد زنده یادان ایرج قدرت، جعفر تشکری،مهدی گلپایگانی، محمد بزن آبادی و محمد طاهر پیک

اعضای فقید تحریریه شوق حضور گرامی باد.

عکس : امید استادی

نمونه خوانی : مهدی عیدیان

صفحه آرا، گرافیست وحروف چین : امیرعلی ارباب معروف

۲ سخن نخست

٤ آغازگر راهی روشن

٦ دکتر برجی

۸ معنای دیگر پدر بودن

۱۱ با هم نو می‌شویم

۱۲ با فواد

۱٤ با بنیامین وحیدی

۱۵ موزع دوست داشتنی

۱٦ فرشته این خانه

۱۸ خبر

۲٦ درخششی دیگر در صحنه تئاتر

۲۸ فرهنگی

۳۱ نیازمندی‌ها

۳۲ از روستا تا آسایشگاه

۳۸ آسایشگاه از نگاهی نزدیکتر

بسته بندی: به همت نیکوکاران گرانقدر خانواده محترم شیعه‌زاده و بستگان محترم

* از نیکوکاران گرانقدر و خوانندگان محترم پوزش می‌طلبیم که به خاطر هزینه‌های سنگین کاغذ و چاپ، دوماهنامه شوق حضور مجددا به فصلنامه تبدیل گردیده است.

* نیازمندکمک‌های ارزشمند شما برای استمرار انتشار نشریه شوق حضور هستیم.

تصویر فیش واریزی را به شماره **۰۹۰۱۸۰۴۵۸۴۸** در ایتا ارسال بفرمایید

* تبلیغات شما در مسیرمعرفی برندتان به عنوان حامی معلولین و سهیم شدن در کار خیر می‌تواند گره‌گشای بخشی از مشکلات و هزینه‌های سنگین درمان و توانبخشی ۵۵۰ فرزند این خانه باشد. **هماهنگی ۰۵۱۳۶۶۶۶۰۰۰**

- دست نوشته‌ها و عکس‌های خود را با موضوع معلولیت، توانبخشی و خواندنی‌های جذاب به شماره اعلامی، در ایتا ارسال نمایید.

- از اینکه مسئولیت آثارتان را به عهده می‌گیرید و ویرایش نهایی را به ما می‌سپارید، صمیمانه سپاسگزاریم.

جهت اطلاع خوانندگان محترم و نیکو کاران گرانقدر، به منظور رعایت اصول خبر نویسی و مطبوعاتی، از اینکه پیشوند خانم و آقا قبل از نام افراد درج نگردیده است پیشاپیش پوزش می‌طلبیم.



هر روز جوانه‌ای تازه از امید به زندگی

شوق حضور

ویژه نامه/شماره ۱۰۱

روایتی از مهربانی، ایستادگی و افتخار

سال ۱۴۰۴ برای خانواده بزرگ آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش مشهد، سالی متفاوت و به‌یادماندنی بود؛ سالی سرشار از لحظه‌های امیدبخش و شیرین، در کنار روزهایی دشوار، نفس‌گیر و پرچالش. سالی که بار دیگر معنای عمیق «امانت‌داری» را برای ما یادآور شد؛ چرا که در این خانه، امانت‌هایی گران‌بها از سوی خداوند به ما سپرده شده‌اند: بیش از ۵۵۰ توان‌خواه، از شیرخوار تا سالمند، زن و مرد، که هر یک روایت‌گر داستانی از رنج، صبر، تلاش و امید هستند.

آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش، صرفاً یک مرکز ارائه خدمات نیست؛ اینجا خانه‌ای برای زندگی است مأمنی برای رشد، برای دیده‌شدن، برای بازیابی کرامت انسانی و برای باور دوباره «توانستن». در سالی که گذشت، با وجود فشارهای شدید اقتصادی و افزایش بی‌سابقه هزینه‌ها ــ به‌گونه‌ای که هزینه‌های ماهیانه مجموعه از حدود ۱۲ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۲۲ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسید ــ این مجموعه با اتکا به لطف الهی، همت کارکنان و همراهی ارزشمند خیرین، ایستاد و مسیر خدمت‌رسانی را ادامه داد.

این ایستادگی، بدون تلاش بیش از ۳۵۰ نفر نیروی انسانی متعهد و دلسوز ممکن نبود. شرایط مالی سال ۱۴۰۴، فشارهایی جدی را بر مجموعه تحمیل کرد و در مقاطعی، پرداخت حقوق ماهیانه کارکنان با تأخیرهای محدود و ناخواسته همراه شد؛ با این حال، مدیریت مؤسسه همواره کوشید با شفافیت، پیگیری مستمر و تعامل سازنده، کمترین آسیب متوجه معیشت و کرامت همکاران شود و این مسیر با همراهی و صبوری ارزشمند کارکنان طی گردید.

در میان همه این دشواری‌ها، حضور پررنگ خیرین، نوری امیدبخش در مسیر این خانه بود. حمایت‌های صمیمانه آنان در مناسبت‌هایی چون عید نوروز، عید سعید فطر، عید قربان و در طول سال، جلوه‌هایی ماندگار از همدلی، مسئولیت اجتماعی و مشارکت انسانی را رقم زد؛ حضوری که بار دیگر ثابت کرد آسایشگاه شهید فیاض‌بخش، در مسیر خدمت به توان‌خواهان، هرگز تنها نیست.

سال ۱۴۰۴، سال دستاوردها نیز بود.

در حوزه عمرانی، پیشرفت نسبی طرح جامع مؤسسه، نوسازی تأسیسات، تجهیز بخش‌هایی از اتاق‌های اطفال و زنان، تعمیرات اساسی موتورخانه و راه‌اندازی محدود پنل‌های خورشیدی، گام‌هایی مؤثر در ارتقای زیرساخت‌ها و بهبود کیفیت زندگی توان‌خواه به شمار می‌آید.

در حوزه بهداشت و درمان، اجرای واکسیناسیون آنفولانزا پیش از فصل سرما، طرح‌های نظافت و بهسازی محیطی و انجام عمل‌های جراحی برای تعداد قابل توجهی از توان‌خواه، نشان‌دهنده توجه مستمر و مسئولانه مجموعه به سلامت جسم و جان آنان است.

در بخش توان‌بخشی، فعالیت‌های تخصصی فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی و خدمات روان‌شناسی، ثمرات ارزشمندی به همراه داشت؛ به‌گونه‌ای که تعدادی از توان خواهان اطفال، پس از طی دوره‌های درمانی، به فرزندخواندگی سپرده شدند یا به مراکزی منتقل گردیدند که پذیرای کودکان بدون معلولیت هستند؛ رخدادی امیدآفرین که اثربخشی تلاش‌های درمانی و حمایتی را به‌خوبی نمایان ساخت.

در حوزه مددکاری اجتماعی، پیگیری‌های دلسوزانه همکاران این بخش، زمینه اشتغال شماری از توان‌خواهان در شرکت‌های خصوصی خارج از مؤسسه را فراهم کرد؛ اتفاقی مبارک که نماد واقعی توانمندسازی، افزایش استقلال فردی و بازگشت فعال به زندگی اجتماعی‌است.

در عرصه فرهنگی، توان‌خواهان این خانه در سال ۱۴۰۴ خوش درخشیدند. حضور فعال و اثرگذار آنان در حوزه هنرهای تجسمی، از جمله نقاشی سیاه‌قلم، آثار رئال و انتزاعی، و همچنین اجرای سخنرانی به شیوه TED در مجامع کشوری و بین‌المللی، جلوه‌ای روشن از توان فکری، خلاقیت هنری و قدرت بیان این عزیزان را به نمایش گذاشت و تصویری نو از توان‌خواهان در عرصه فرهنگ و اندیشه ترسیم کرد.

در حوزه حرفه‌آموزی نیز، گام‌های مؤثری در مسیر خودکفایی برداشته شد؛ به‌گونه‌ای که مؤسسه به خودکفایی در زمینه تهیه لباس کار پرسنل مددیار و خدمات دست یافت و حتی پذیرای سفارشات لباس کار شرکت‌های حامی مؤسسه شد. همچنین فعالیت در زمینه مونتاژ قطعات مختلف سفارشی ــ که غالباً جنبه توان‌بخشی دارد ــ و راه‌اندازی کارگاه قلم‌زنی روی چوب، فرصت‌های ارزشمندی برای مهارت‌آموزی، اشتغال و ارتقای اعتمادبه‌نفس توان‌خواهان فراهم آورد.

در عرصه تحصیلی و ورزشی نیز، افتخارات کم‌نظیری رقم خورد؛ از قبولی توان‌خواهان در دانشگاه‌ها و مقاطع تحصیلی بالاتر، تا درخشش در مسابقات پارآسیایی امارات، کسب مدال‌های رنگارنگ در رشته‌هایی چون بسکتبال با ویلچر، بوچیا و تنیس روی میز، دعوت‌های مستمر به اردوهای تیم ملی و کسب عناوین متعدد کشوری؛ افتخاراتی که نام آسایشگاه شهید فیاض‌بخش را به‌عنوان یکی از قطب‌های توانمندسازی و ورزش معلولین کشور مطرح ساخته است.

در کنار این دستاوردها، ارائه خدمات تخصصی به معلولین غیرمقیم ــ به‌ویژه خدمات دندانپزشکی ــ و فعالیت‌های مرکز «مثبت زندگی فیاض‌بخش»، همچنان از نقاط قوت این مجموعه به شمار می‌آید. همچنین برنامه‌ریزی برای ایجاد منابع درآمدی پایدار آغاز شده که امید می‌رود در آینده‌ای نزدیک به مرحله اجرا برسد.

با این همه، سال ۱۴۰۴ خالی از اندوه نبود. از دست دادن جمعی از توان‌خواهان بر اثر بیماری، از جمله فاطمه اسماعیل‌پور، هنرمند ارزشمندی که با دهان نقاشی می‌کشید، و همچنین درگذشت تلخ میلاد مومیوند، همه ما را عمیقاً متأثر کرد. این رخدادها با حساسیت و مسئولیت‌پذیری، از طریق مراجع ذی‌صلاح پیگیری و آسیب‌شناسی شد تا با تقویت حمایت‌های روانی و اجتماعی، از تکرار چنین وقایع دردناکی پیشگیری شود.

سال به پایان رسید؛ سالی که پایان آن با ماه مبارک رمضان و هم‌زمانی نوروز باستانی و عید سعید فطر، رنگ و بویی معنوی و متفاوت به خود گرفت.

امید آن داریم که سال ۱۴۰۵، سالی سرشار از آرامش، سلامتی و اتفاقات شیرین برای اهالی خانه باشد و مردم نیک‌اندیش، همچون همیشه، یار و همراه ما در مسیر خدمت به توان‌خواهان عزیز باقی بمانند.

این خانه، با همه فراز و فرودهایش، همچنان رو به جلو در حرکت است ؛ به پشتوانه همدلی، و همراهی همه کسانی که به یک باور مشترک می‌اندیشند:

دستیابی معلولین به حقوق شهروندی، که حق مسلم هر انسان است؛ حقوقی که تنها در پرتو تحقق آن، می‌توان زندگی شایسته، برابر و همراه با کرامت انسانی را برای توان خواهان فراهم ساخت.

برگرفته از سخنان هیأت‌مدیره و مدیرعامل

آسایشگاه معلولین‌شهید فیاض‌بخش(عبدالله‌هنری)مشهد

آغازگر راهی روشن

زنده‌یاد دکتر محمد ارسطوپور

سیده حشمت نبوی

زنده‌یاد دکتر محمد ارسطوپور، از آن دست مردانی بود که نامشان نه فقط در اسناد، که در وجدان یک جامعه حک شده است. بزرگمردی که در دهه چهل خورشیدی، اندیشه‌ای پیشرو و انسان‌دوستانه را بنیان نهاد؛ اندیشه‌ای که معلولان را نه از موضع ترحم، بلکه شهروندانی صاحب کرامت، شأن و حق زندگی شایسته می‌دید. او باور داشت که زندگی، حتی در سخت‌ترین شرایط جسمانی، سزاوار احترام، عشق و امید است.

دکتر ارسطوپور با نگاهی ژرف به رنج نیازمندان آبرومند، شب و روز خویش را وقف بهداشت و بهبود وضعیت معلولانی کرد که در توانخانه شهرداری، در هم‌نشینی ناخواسته با بیماران مبتلا به بیماری‌های مسری، روزگار می‌گذراندند. او در این مسیر، نه تنها خود پیشگام بود، بلکه نیک‌اندیشان بسیاری را نیز به این راه فراخواند؛ کسانی که هر یک صاحب اندیشه و نام بودند و در پرتو این تفکر انسانی، هم‌دل و همراه شدند.

وی که ریاست بیمارستان شماره ۲ را بر عهده داشت و نخستین پزشک فارغ‌التحصیل رشته پزشکی از دانشگاه فردوسی بود، با بنیان‌گذاری نخستین و بزرگ‌ترین آسایشگاه معلولین کشور، (آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش مشهد)، تحولی بنیادین در سرنوشت معلولین پدید آورد؛ تحولی که زنده‌مانی را به زندگانی بدل ساخت و رنج را به امید پیوند زد.









دیدار هیأت امنا، هیأت مدیره و مسئولین آسایشگاه با خانواده دکتر ارسطوپور

بذری که آن مرد دوراندیش در روزگاری آکنده از رعب و وحشت عمومی نسبت به معلولیت در خاک جامعه کاشت، امروز به همت و حمایت قشر عظیمی از نیکان و نواندیشان، به درختی تنومند و ریشه‌دار بدل شده است؛ درختی که هر روز برگ و بار آن بیشتر و بیشتر می‌شود و سایه امنش زندگی هزاران انسان را در بر می‌گیرد. امروز دیگر سخن از نگهداری صرف نیست، بلکه شاهد شکوفایی فرآیند توان‌بخشی و توانمندسازی معلولین عزیز در عرصه‌های گوناگون هستیم؛ عزیزانی که با تکیه بر استعداد، اراده و فرصت‌های فراهم‌آمده، در حوزه‌های علمی، اجتماعی، ورزشی و هنری خوش می‌درخشند. خدمات ویژه درمانی، برنامه‌های تخصصی توان‌بخشی و آموزش‌های تحصیلی، ورزشی و هنری که روزگاری تنها رؤیایی دور می‌نمود، امروز به مطالبه‌ای جدی، آگاهانه و به‌حق برای این جامعه بدل شده است؛ مطالبه‌ای که ریشه در همان اندیشه اصیل و انسان‌دوستانه دارد که سال‌ها پیش با شجاعت، ایمان و آینده‌نگری نهاده شد.

پنجم بهمن‌ماه، سال‌روز درگذشت این بزرگمرد است؛ مردی که به‌حق می‌توان او را پایه‌گذار حمایت سازمان‌یافته از معلولین و پدر معنوی نه تنها خانواده بزرگ آسایشگاه فیاض‌بخش بلکه همه معلولین شهر و استان و کودکان بی‌سرپرست دانست. در این روز، جمعی از فرزندان این مؤسسه، به همراه دست‌اندرکاران آن و خانواده محترم آن زنده‌یاد؛ از جمله فرزند گرامی‌شان، سرکار خانم ژیلا ارسطوپور بر مزارش گرد هم آمدند و با یادآوری نیکی‌ها، ایثار و عشق بی‌دریغ آن والاپدر در خدمت به معلولین، بار دیگر بر میراث ماندگارش ادای احترام کردند.

نامش ماندگار، راهش روشن و یادش همواره زنده باد.





مصاحبه دکتر برجی با روزنامه شهرآرا در خصوص مراکز نگهداری بهزیستی

۱۴۰۴/۱۱/۷

دکتر برجی: ریاست بهزیستی استان خراسان رضوی از دیدن این حجم فعالیت در این مجموعه بزرگ غافلگیر شدم.

دکتر مهدی برجی سرپرست بهزیستی خراسان رضوی در بازدید از آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش از نزدیک با خدمتگزاران و توانخواهان این مجموعه دیدار کرد. سرپرست بهزیستی استان پس از بازدید از بخش‌های مختلف موسسه از جمله سالن‌های نگهداری، سالن‌های توانبخشی، کارگاه‌های توانبخشی حرفه‌ای، کارگاه‌های فرهنگی هنری و کلینیک دندانپزشکی اظهار داشت: واقعا از دیدن این حجم از فعالیت در این مجموعه بزرگ غافلگیر شدم. وی همچنین خاطر نشان نمود که کار در بخش‌های مختلف این موسسه خیریه با کیفیت بسیار بالایی انجام می‌شود که جا دارد از مدیران و پرسنل و خیرین این مجموعه تشکر ویژه نمایم و امیدوارم بنده نیز به عنوان سرپرست بهزیستی استان بتوانم قدم کوچکی در راه خدمت رسانی به این عزیزان بردارم. دکتر برجی همچنین در خصوص کاهش مشکلات فیاض بخش عنوان نمود: قطعا مشکلات و چالش‌ها در حوزه‌های مختلف بهزیستی زیاد است و خیلی از این دغدغه‌ها با کمک خیرین در حال برطرف شدن است و ما نیز در صددیم اعتبارات لازم استانی، برای حل مشکلات موجود را جذب نماییم.

۱ تحولات اخیر شامل تورم و اغتشاشات چه تأثیری بر خدمات‌رسانی بهزیستی و کیفیت آن بر جامعه هدف گذاشته است؟

تورم، بر جامعه هدف ما اثرات بیشتری می‌گذارد؛ من در شورای اداری استان، اعلام کرده‌ام که دستگاه های حمایتی زیر بار این فشار اقتصادی له می شوند؛ به طور نمونه درحال حاضر ۶هزار معتاد درکمپ های استان داریم که به طور میانگین، روزانه ۱۰۰هزار تومان برای آن ها هزینه می‌کنیم، حال با این قیمت موادغذایی، چطور هزینه آن ها را تأمین کنیم؟ بدون شک می توان گفت که این گرانی ها منجر به تعطیلی خیلی از مراکزمان خواهد شد.

با وجود اینکه بخش زیادی از خدمات بهزیستی را خیریه ها ارائه می دهند، بازهم تورم بر کیفیت خدمات دهی مراکز اثر می‌گذارد. اکنون وبعد ازگرانی، هر روز چند نفر به من اعلام می کنند که می خواهند مرکز خود را تعطیل کنند. از طرف دیگر، هزینه های درمان به شدت افزایش پیدا کرده است واین عوامل به‌کیفیت خدمات ما آسیب می زند. چالش بهزیستی در حوزه اقتصاد، ویژه تر است؛ زیرابر جامعه هدف فشار خواهد آمد؛ به دلیل اینکه بیشتر آن ها از دهک های پایین جامعه هستند و به غیر از مشکلاتی که این افراد در تأمین موادغذایی و هزینه های زندگی خواهند داشت، آسیب روانی واجتماعی بیشتری هم برایشان ایجاد خواهد شد.

به طور نمونه مراکز فیاض بخش وهمدم، تیم های هنری وورزشی دارند؛ اکنون هزینه یک ویلچرورزشی ۱۲۰میلیون تومان است وزمانی که مؤسسه در تأمین هزینه های جاری خوددچار مشکل شود، هزینه های جاری برایش از خرید ویلچر، اولویت بیشتری خواهد داشت. اغتشاشات اخیر، خللی در روند کاری بهزیستی ایجاد نکرد، اما نکته قابل توجه، افزایش میزان تماس های تلفنی با سامانه ۱۴۸۰ بود؛ والدین نگرانی با ما تماس می گرفتند که قادر به مدیریت فرزند خود برای حضورنیافتن در اعتراض ها نبودند وگاهی خود والدین به ناچار در اعتراض ها، فرزندانشان را همراهی می‌کردند. این خط تلفنی همه روزه از ۸صبح تا ۱۲شب پاسخگو خواهد بود.

۲ اگر بخواهید از دغدغه‌ها و چالش‌های بهزیستی برایمان بگویید، کدامشان در اولویت است؟

یکی از دغدغه های ما این است که درزمینه خدمات بهزیستی آن طور که باید وشاید، اطلاع رسانی نشده است ورسانه ها در این زمینه می توانند به ما کمک کنند؛ زیرا بخش زیادی از خدمات مارا مردم وخیریه ها انجام می دهند. خیلی از جامعه هدف بهزیستی از خدمات این سازمان اطلاعی ندارند و هنوز با حوزه اطلاع رسانی خیلی فاصله داریم. از طرف دیگر، دستگاه ها به صورت جزیره ای کار می‌کنند و به طور نمونه بین بهزیستی، آموزش وپرورش، علوم پزشکی وسایر دستگاه های متولی، ارتباط خیلی قوی وجود ندارد؛ یعنی هرکه اطلاعاتی دارد که دراختیار دستگاه خودش است واین اطلاعات به صورت یکپارچه درنیامده است.

۳ آیا پس از انتصاب شما به عنوان مدیرکل، برنامه های مدنظر در بهزیستی، تغییری کرده یا به منوال گذشته، ادامه یافته است؟

برنامه هایی که در بهزیستی استان اجرا کردیم، ادامه همان طرح های قبل بوده است وفقط در دو حوزه به صورت خاص در سال گذشته ورود کردیم که یک حوزه گفتمان سازی ودوم، افزایش ظرفیت مشارکت های مردمی در جهت خدمات رسانی کیفی به جامعه هدف مدنظر بوده است. توانمندسازی کودکان بی سرپرست و بدسرپرست نیز، مدنظر قرار گرفته است. تا پیش از این، این کودکان در هجده سالگی رهسپار می شدند، اما از سال گذشته باتغییر دستورالعمل، دیگر کودکی رهسپار نمی شود؛ مگر اینکه توانمند شده باشد؛ البته سقف این موضوع تا ۲۴سال است.

یکی دیگر از برنامه ها این بوده است که توسعه کمپ های ماده ۱۶نه تنها متوقف شده، بلکه کاهش نیز داشته است، اما ازطرفی برای افزایش توانمندسازی نیزتلاش کردیم. درحوزه توان بخشی درگذشته فقط کاردرمانی وگفتاردرمانی مدنظرقرار می‌گرفت، اما اکنون پرداخت هزینه این جلسه ها حتی در توان دهک های بالای جامعه نیز نیست، بنابراین نگاهمان بر کاردرمانی های جدید مانند هنردرمانی، ورزش درمانی ومعنویت است. رویکرد بعدی، ایجاد خانه هنر ویژه معلولان بود که امسال برای آن ۸میلیارد تومان درنظر گرفته‌ایم تا هنرمندان معلول نیز پاتوقی داشته باشند.

۴

حوزه های تحت پوشش بهزیستی زیاد و به همین ترتیب، جامعه هدف آن نیز زیادتر است، برای کاهش این جامعه هدف چه برنامه ای دارید؟

در ابتدا باید بپذیریم که برای کاهش جامعه هدف، راهی جز توانمندسازی نیست؛ در همین راستا نیز افراد و خانوارهای پشت نوبت مستمری ها را تا تیرماه جاری به صفر رسانده ایم. به طور کلی نیز از طریق حوزه های مستمری، حق پرستاری، حق معیشت، ضایعه نخاعی و کمک معیشت از معلولان حمایت می کنیم. درحال حاضر در استان ۱۳۸ هزار معلول داریم که ۱۰۵ هزار نفر آن ها شرایط دریافت مستمری را دارند و در ماه ۲۰۰ میلیارد تومان به طور مستقیم به حساب این افراد واریز می شود. جدای از این ۷ هزار معلول وابسته به تخت در مراکز نگهداری داریم که ۴۰ درصدشان مجهول الهویه هستند و مابقی خانواده دارند، اما توان پرداخت هزینه هایشان را ندارند. حدود ۱۱ هزار و ۲۰۰ معلول وابسته به تخت هم هستند که در کنار خانواده حضور دارند و به ازای هر معلول، ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان حق پرستاری تعلق می گیرد. با این وجود ۱۸ هزار نفر پشت نوبت حق پرستاری داریم.

بر طبق قانون، دولت مکلف است به معلولان بالای هجده سال که امکان کار ندارند، حداقل حقوق قانون کار را پرداخت کند. اکنون نیز در حال تلاش هستیم تا اعتبار آن به بهزیستی داده شود، اما در این زمینه چالش هایی وجود دارد. فعلا ۱۹ هزار نفر حق معیشت از یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان دریافت می کنند و هنوز هشتصد نفر پشت نوبتی داریم. خوشبختانه در مورد بیماران ضایعه نخاعی پشت نوبتی نداریم.

۵

درباره تحقق قانون ۳ درصد استخدام معلولان در دستگاه های دولتی و آزمون استخدام معلولان بگویید.

متأسفانه یکی از چالش هایی که ما داریم، این است که دستگاه ها خیلی رغبت نمی کنند معلولی را استخدام کنند و به همین دلیل باید در این زمینه قوانین اصلاح شود. یکی از مشکلات دیگر این است که برخی معلولان زمانی که استخدام می شوند، می خواهند از قانون تقلیل ساعت کاری استفاده کنند؛ درست است که این قانون وجود دارد، اما همین حالا نیز درحال جدال هستیم تا دستگاه ها آزمون استخدامی برای معلولان برگزار کنند. ازسوی دیگر زمانی که ما می گوییم خدمات برای معلولان باید فراگیر باشد، لازم است اعتقادمان نیز این باشد که فرد معلول هم مانند فرد عادی کار کند، بنابراین قانون تقلیل ساعت کاری، ممکن است به ضرر معلولان تمام شود و نیازمند اصلاح است.

نکته بعدی این است که دستگاه ها دستورالعمل خود را برای استخدام اعلام نمی کنند؛ به طور نمونه بیان نمی کنند که برای جایگاه شغلی که در نظر دارند، شدت معلولیت باید خفیف باشد یا سایر معلولیت ها را نیز می تواند دربر بگیرد؛ به همین دلیل برخی معلولان پیش از اینکه وارد مصاحبه تخصصی شوند، رد می شوند و این موضوع هم باید اصلاح شود. اما به طور کلی طبق داده های کشوری، مقاومت برای استخدام معلولان در استان کمتر است. اکنون نیز دستگاه های متعدد، آزمون استخدامی را برگزار می کنند و ما نیز سهمیه را به آن ها اعلام می کنیم.

۶

یکی از اقشار جامعه هدف بهزیستی، زنان سرپرست خانوار هستند، لطفا درباره حمایت هایی که از این بانوان شده است، توضیح بدهید.

۲۱ هزار زن سرپرست خانوار در استان تحت پوشش بهزیستی هستند که اشتغال این زنان، یکی از موضوعات حمایتی مدنظر بود. سامانه جاب برای ایجاد اشتغال در سطح کشور راه اندازی شد و در همین راستا، نام بیشتر زنان سرپرست خانوار و فرزندانشان که بیکار بودند، در این سامانه ثبت شد تا از این طریق شاغل شوند. اقدام حمایتی بعدی این بود که یک تفاهم نامه بین آموزش وپرورش و نهضت سوادآموزی به امضا رسید تا زنان سرپرست خانواری که سواد نداشتند، از این طریق آموزش ببینند و تاکنون ۵۲۰ سوادآموز داشته ایم. اقدام بعدی، غربالگری سرطان و بیماری ها برای این زنان بود که غربالگری ۵ هزار و ۷۱۲ نفر باکمک دانشگاه علوم پزشکی با موفقیت برگزار شد. آن افرادی که بیماری شان تشخیص داده شد، نیز اعتبار ۱۷ میلیون تومانی برای درمانشان درنظر گرفته ایم؛ در صورتی که نیاز به اعتبار بیشتری نیز باشد، باکمک خیران آن را تأمین می کنیم.

۷

رئیس سازمان بهزیستی کشور به تازگی از رویکرد جدید بهزیستی مبنی بر اجرای طرح‌های محله‌محور به منظور گسترش فعالیت‌ها گفته است؛ در مشهد قرار است چه اتفاقی در این زمینه رخ دهد؟

درواقع سازمان های خدمات اجتماعی نیاز دارند که مردم با آن ها ارتباط خوبی داشته باشند و زمانی که مردم می خواهند کمک کنند، باید کاری را که انجام می شود، از خود بدانند، بنابراین این طرح در راستای این هم هست که با نیازسنجی از سوی مردم پیش برویم تا اعتمادسازی بیشتری نیز صورت بگیرد. گروه ها در این طرح محله محور، امکانات، ظرفیت ها و کمبودهای محله را می سنجند و درواقع شناسنامه محلی صادر می کنند و براساس آن ها نیازسنجی می کنند، پس از آن تیم های محلی از مردم تشکیل می شوند. بهزیستی فقط نیروهای تسهیلگر را تربیت می کند.

تاکنون اگر هم این طرح ها اجرا شده، دستگاه دولتی، کارمند را به محله برده و خدمات داده است، اما در بهزیستی هدفمان این است که خدمات از سمت مردم به مردم ارائه شود. اکنون با اجرای برنامه های محله محور در سطح ایده آل فاصله زیادی داریم، اما می توانیم بگوییم بهزیستی درمیان دستگاه های دولتی در ارائه خدمات محله محوری پیشگام است.

طرحی که بهزیستی کشور امسال تحت عنوان «سلام» یعنی سلامت اجتماعی محله محور شروع کرده است، برمبنای طرح های قدیمی بهزیستی است تا بتوانیم علاوه بر محلات روستایی و خارج از دسترس در محلات شهری هم طرح هایی داشته باشیم. درواقع قرار است تمام خدماتی که بهزیستی می دهد، در آینده در قالب طرح سلام به مردم ارائه شود.

در حال حاضر این طرح در محله قاسم آباد مشهد به صورت آزمایشی و با اولویت سالمندان درحال اجراست. برای اجرای این طرح از ظرفیت سایر دستگاه ها مانند پایگاه بسیج، مدارس، مساجد... نیز استفاده کرده ایم. به این صورت برای اجرای طرح های جامع، نیازی به ایجاد فضاهای اداری نداریم. در همین راستا، تفاهم نامه ای ازسوی بهزیستی کشور با همه دستگاه ها در حال انجام است تا از ظرفیت آن ها در راه گفتمان سازی و مشارکت اجتماعی محله محور در گام اول برای گروه هدف سازمان و پس از آن برای همه مردم استفاده کنیم.

۸

آخرین وضعیت مولدسازی در سازمان بهزیستی به کجا رسیده است؟

تا سال گذشته سیزده ملک برای مولدسازی در نظر گرفته شده بود، اما برحسب نیاز دو ملک را از این لیست خارج کردیم و اکنون یازده ملک در مولدسازی سازمان قرار گرفته است. یکی از برنامه ها این است که از طریق مولدسازی، زمین واقع در خیام را بسازیم؛ پیش بینی اعتبار لازم برای ساخت این ملک در ابتدای سال، ۳۰۰ میلیارد تومان بود که با توجه به تورم این رقم افزایش خواهد داشت، اما قرار بر این است که ۸۰ درصد آن را از طریق مولدسازی و ۲۰ درصد مابقی را با کمک بهزیستی کشور تأمین کنیم. امسال ۱۳ میلیارد تومان اعتبار اولیه گذاشته اند تا مطالعات اولیه آن انجام شود و احتمالا تکمیل آن در بازه زمانی سه تا چهارساله طول خواهد کشید، اما تاکنون تصمیم قطعی نگرفته ایم که زمین خیام، محل اداره کل بهزیستی استان یا بهزیستی مشهد باشد. درحال حاضر بهزیستی مشهد در چهار نقطه از سطح شهر خدمات می دهد که خوب است اگر بتوانیم این خدمات را تجمیع کنیم.



روایتی ازیاوران معنوی آسایشگاه شهید فیاض‌بخش مشهد که‌حس پدری‌شان مرز ندارد

سعیده آل‌ابراهیم

پدر بودن همیشه به‌شناسنامه ونسبت خونی، گره نخورده است؛ گاهی دردل یک آسایشگاه، درنگاه پرمهر یک یاور معنوی، معنایی تازه‌ازپدرانه‌زیستن شکل می گیرد. اینجا جایی است که‌نگاه‌ها ودست های مهربان، جای خالی آغوش پدرها راپر می کند. پدرانگی دراین فضا یعنی تقسیم بی‌قیدوشرط محبت؛ یعنی شنیدن صدای خنده‌ای که‌خستگی را از تن می‌برد؛ یعنی هل دادن ویلچری درسربالایی و رساندن آن تامقصد شادی. پدر بودن دراینجا یعنی هربار که‌کودکی باذوق ومهر به‌نگاه تو چشم می‌دوزد، تو هم باتمام وجودت به‌سمت اوکشیده می‌شوی؛ یعنی شادی‌شان شادی توست وغمشان، غم تو.این چند جمله، چکیده‌ای ازحس‌وحال یاوران معنوی آسایشگاه شهید فیاض‌بخش مشهد است؛ همان‌ها که‌ثابت کرده‌اند پدر بودن، فراتر ازیک نقش خانوادگی است وآن رادرمقیاس یک انتخاب انسانی ومسئولیتی اخلاقی باهمه وجود ایفا می کنند ونور زندگی بچه‌های این آسایشگاه شده‌اند.

قصه یک نذر ویک معجزه

هنوز به‌خاطر دارد یکی ازآن روزهایی که‌مثل همیشه مقصدش به‌آسایشگاه ختم می‌شود تامحبت پدری اش رابین بچه‌ها چه‌کوچک وچه بزرگ تقسیم کند، یکی ازپسرها بعد ازاینکه نگاه پرمهر وچهره مهربانش رامی‌بیند، بادو پایی که‌ندارد، دو پای دیگر هم قرض می‌کند وطوری خودش رادرآغوش او می‌اندازد که‌خودش هم شوکه می‌شود.

سیدعلیرضا کارآموز، تقریبا هجده سالی می‌شود که به‌عنوان یک پدر، یاور معنوی آسایشگاه شهید فیاض بخش است وطی این سال‌ها هر کاری که‌ازدستش برآمده است، برای دیدن «ذوق» این بچه‌ها وفراهم کردن آسایش‌شان، انجام داده است؛ درست مانند یک پدر واقعی.

آقای کارآموز خودش هم پدر دو پسر است، اما این دلیل نمی‌شود که‌مهر پدری‌اش رافقط صرف بچه های خودش کند. مشوق اوبرای ورود به‌آسایشگاه، همسرش معصومه شیعه‌زاده بوده است که‌او هم از ازطریق دوستانش که‌دراین آسایشگاه پرستار بوده‌اند، متوجه دنیای بزرگ این بچه‌ها می‌شود وکم‌وبیش بااین مجموعه ارتباط برقرار می‌کند. اما قصه زندگی آقای کارآموز وهمسرش از زمان فوت پسر بزرگشان تغییر می کند واین ضربه روحی، سبب می‌شود که‌به‌دنبال گم‌شده خودشان بیشتر ازپیش، وقت خود رابرای بچه‌هایی که‌آن‌ها را هم به‌نوعی فرزند خود می‌دانند، صرف کنند.

کارآموز می گوید: هرچند که‌پیش ازفوت پسرم هم همکاری می کردیم، من هنوز بازنشسته نشده بودم ووقت آزاد کمتری داشتم. اززمانی که‌بازنشسته شده‌ام، روزهای زیادی برای انجام کارهای مختلف به‌آسایشگاه‌می‌آیم.

انگار هربار اتفاقی می‌افتاد تادل‌بستگی آقای کارآموز به‌این بچه‌ها بیشتر شود. خودش تعریف می کند: بعد ازفوت پسرم، همسرم مبتلا به‌یک بیماری سخت شده بود ودکترها جوابش کرده بودند؛ ما هم نذر این بچه‌ها کردیم که‌اگر خوب شود، بیشتر می‌آییم واینجا خدمت می کنیم؛ معجزه شد وهمسرم خوب شد؛ به‌همین دلیل تازمانی که زنده هستیم، هر کاری ازدستمان بربیاید، برای بچه‌هاانجام می‌دهیم.

کارهای نشدنی باپدر، شدنی می‌شود

همه‌مان می دانیم که‌پدرها یک جور عجیبی، امن وقدرتمند هستند. هرکدام ازما هرجای زندگی کارمان لنگ بماند، کافی است به‌تلفن‌همراهشان زنگ بزنیم وبگوییم که‌نیازبه کمکشان داریم تابه یک چشم‌برهم‌زدن کاری که‌ازنظرمان نشدنی بود، شدنی شود. آقای کارآموز هم حکم پدر رابرای این آسایشگاه دارد. شاید تک‌به‌تک بچه‌ها اورا نشناسند؛ به‌دلیل اینکه بیشتر درپشت صحنه کار می کند، اما به‌قول خودش، هر زمان کاری باشد، به‌او زنگ می‌زنند واو هم بی‌درنگ قبول می‌کند. در بخش‌های مختلف آسایشگاه که‌با آقای کارآموز هم قدم می‌شویم، بچه‌ها نگاه مهربان اورا می‌خوانند و با ذوق نگاه ولبخند روی لبشان، به‌او پاسخ می‌دهند. بعضی یاورهای معنوی این مجموعه برای حضور خود درآسایشگاه، روز مشخصی دارند، اما برای آقای کارآموز وهمسرش، این قاعده برقرار نیست؛ آن‌ها

ممکن است گاهی چند روز در آسایشگاه حضور نداشته باشند، اما گاهی هم پیش می‌آید که‌هر روز هفته برای انجام امور مختلف به‌اینجا می‌آیند. تعبیرشان ازانجام کارهای پشت‌صحنه دراین مرکز، فراهم کردن آسایش برای بچه‌هاست.

با شادی‌شان، خوشحال وبا غمشان، ناراحت می‌شوم

کارآموز می‌گوید: این بچه‌ها رامانند بچه‌های خودم دوست دارم وحتی شاید گاهی بیشتر از بچه‌های خودم به‌آن‌ها توجه کنم. باشادی آن‌ها خوشحال وبا غمشان ناراحت می‌شوم. بسیاری ازاین بچه‌ها که‌الان بزرگ شده‌اند وبرای خودشان درس می‌خوانند یابه‌سن ازدواج رسیده‌اند، کودکی‌شان رایادم هست. وقتی این جمله‌ها رامی‌گوید، نگاه و لبخند روی لبش، درست مانند پدری است که‌به فرزندش‌افتخار می‌کند.

اما آسایشگاه گاهی هم روزهای غمناکی رابه‌چشم خود دیده است. آقای کارآموز می‌گوید: متأسفانه چندنفری ازاین بچه‌ها طی این سال‌ها فوت کردند که‌این موضوع خیلی روی ما تأثیر منفی گذاشت.

ادامه می‌دهد: بعضی بچه‌های اینجا پدر ومادر ندارند یاازآن‌ها دور هستند ووقتی ما رامی‌بینند، باذوق وشوق به‌سمتمان می‌آیند وگاهی‌اوقات هم سفارش خرید چیزی رابه‌ما می‌دهند؛ مثلا قدیم ترها می‌گفتند برایمان سی‌دی بگیر وحالا شارژر گوشی تلفن‌همراه می‌خواهند. وقتی برایشان می‌خریم، خیلی ذوق می‌کنند. من ازذوق این بچه‌ها بیشتر ازبچه خودم، خوشحال می‌شوم. بچه‌های این آسایشگاه، خیلی دوست دارند که‌درآغوش گرفته شوند تاحس امنیت ومحبت رابیشتر بچشند. او خاطرش هست که‌سال‌های پیش، آن زمان که درهای کوهستان‌پارک‌شادی هنوز به‌روی مردم باز بود، یک‌بار قرار می‌شود بچه‌های آسایشگاه رابه این پارک ببرند، اوهم برای کمک به‌همراه تیم می‌رود. هنوز یادش هست که‌با چه‌سختی‌ای ویلچرهای بچه‌ها رادرسربالایی هل می‌دادند تا بتوانند داخل شهربازی شوند والبته خوشحالی و چهره‌های خندان بچه‌ها هم یادش هست که‌تمام خستگی راازیادشان برد.

سعی کردم مشوق افراد برای کمک به آسایشگاه باشم

کارآموز طی این سال‌ها نه‌تنها خودش درحال همکاری باآسایشگاه بوده، بلکه سعی کرده است مشوق افراد دیگر هم برای ورود به‌این مجموعه باشد. اما می‌گوید: بعضی‌ها وقتی برایشان تعریف می‌کردم که‌اینجا چه‌کار می‌کنیم، می‌گفتند چطور دلت می‌آید آنجا کمک کنی. بعضی دیگر هم به اینجا می‌آمدند، اما بعد ازمدتی به‌دلیل مشغله‌های زندگی پا پس می‌کشیدند. اما حس‌وحال خوب خنده تأکید می‌کنند: بارها پیش آمده است که کارهای دیگرمان رابه‌خاطر آسایشگاه به‌تأخیر انداخته‌ایم یابه‌کلی بی‌خیال آن شده‌ایم. مصداق واضحش راخانم شیعه‌زاده، همسر آقای کارآموز، می‌گوید که‌درعروسی پسر خواهرش شرکت نکرده است؛ به‌دلیل اینکه درآن زمان آسایشگاه، بازارچه داشته است وهزارویک کار باید انجام می‌داده‌اند.

وقتی می‌گویم آقای کارآموز یکی ازپدرهای معنوی بچه‌های فیاض‌بخش است، بیراه نمی‌گویم؛ زیرا به گفته خودش، درزمان کرونا که‌هیچ‌شخصی رابه آسایشگاه راه نمی‌دادند، اووهمسرش به‌اینجا می‌آمدند. باخنده وشوخی می‌گوید: ورودمان حتی از کارمندان اینجا هم راحت‌تر است. تمیز کردن انبار، آشپزی، تهیه ملزومات افطاری درماه رمضان، جابه‌جایی بچه‌ها وهر کاری که‌ازدست کارآموز وهمسرش بربیاید، دریغ نمی‌کنند. اومانند یک پدر دلسوز اعتقاد دارد: خیلی ازاین بچه‌ها سایه پدر ومادر رابالای سر خودشان حس نکرده‌اند وما می‌توانیم بایک دست نوازشگر، این حس رابه‌آن‌ها منتقل کنیم، پس اگر کسی توان دارد، حتما به‌این بچه‌ها کمک کند.

من به‌این بچه‌ها نیاز دارم

سیدمجتبی اشفاقی، معلم دیگری است که‌ازیک سال پیش، یاور بچه‌های فیاض‌بخش شده است. او البته حسرت می‌خورد که‌چرا زودتر بااین فضا آشنا نشده است؛ اومانند پدری جوان برای بچه‌ها وقت می‌گذارد تابال‌وپر گرفتنشان رابیبیند. باوجود اینکه طراحی، نقاشی، معرق وبافت فرش راهم کار می‌کند، اما دراینجا به‌بچه‌ها خوشنویسی یاد می‌دهد؛ زیرا مربی برای حوزه‌های دیگر دارند. آقای اشفاقی قبل ازشروع مصاحبه‌مان، به‌بچه‌های کلاس، سرمشق خط می‌دهد. وقتی کنار آن‌ها قرار می‌گیرد، حس حمایت وامنیت پدر بودن رامی‌شود درنگاه‌بچه‌ها دید. اوباحوصله به‌آن‌ها آموزش می‌دهد وخودش هم اثر هنری بچه‌ها راتحسین می‌کند. روزی که‌این آسایشگاه رابه‌او معرفی کردند، خودش هم نمی‌داند چه‌اتفاقی افتاد که‌بی‌درنگ قبول کرد. بااینکه تعداد کلاس‌هایی که‌داشت زیاد بود، باخودش گفت زمانی رابرای این کار خالی می‌کنم. بی‌تعارف می‌گوید: دفعات اولی که‌با این بچه‌ها کار می‌کردم، تصورم این بود که‌آن‌ها به من نیازدارند، اما بعد ازیک مدت متوجه شدم این من هستم که‌به‌آن‌ها نیازدارم! وقتی فردی رادیدم که‌تلفن‌همراه خود رابا لبش حرکت می‌داد یا مددجوی دیگری که‌دستش می‌لرزید، اما آن را نگه می‌داشت وخطاطی می‌کرد.



زندگی اینجاست

او اززمانی که‌با این بچه‌ها ارتباط گرفته وحس پدرانگی بین اووبچه‌ها ایجاد شده، به‌این نتیجه رسیده است که‌زندگی بین این بچه‌ها جریان دارد وبیرون ازاینجا، همه‌چیز روزمرگی است. آقای اشفاقی می‌گوید: بارها شده است که‌سر کلاس من یاسایر یاوران، بچه‌ها موقع خلق یک اثر هنری به قدری ذوق کرده‌اند که‌صدایشان به‌آسمان رسیده است.

او مانند یک پدر اززمانی که‌درجمع این بچه‌ها حضور می‌یابد، دائم زبانش به‌شکر می‌چرخد؛ شکر بابت حضور درکنار بچه‌ها وحس خوبی که‌به‌او انتقال می‌دهند. می‌گوید: گاهی‌اوقات می‌شنویم که‌فلان بچه مدرک لیسانس خود راگرفته است، این گونه مواقع هم به‌آن بچه افتخار می‌کنم وهم از خودم خجالت می‌کشم. «من بااین بچه‌ها زندگی می‌کنم.» این جمله راآقای اشفاقی می‌گوید واضافه می‌کند: همسرم همیشه به‌من می‌گوید تو هیچ وقت برای سر کار رفتن عجله نمی‌کنی، اما روزهایی که‌می‌خواهی به‌فیاض‌بخش بروی، نیم ساعت زودتر می‌روی ونیم‌ساعت هم دیرتر می‌آیی! پاسخم به‌این حرف اوروشن است: «چون دلتنگ این بچه‌ها می‌شوم وبا آن‌ها زندگی می‌کنم.» آقای اشفاقی دو پسر چهارده وبیست وچهارساله دارد وبنابراین سال‌هاست که‌مسئولیت پدری رابر دوش دارد، بااین حال ناخودآگاه محبت پدری بین اووبچه‌های کلاسش دراین آسایشگاه به وجود آمده است. اواین بچه‌ها رانه‌تنها مددجو نمی‌داند، بلکه می‌گوید آن‌ها مددیار ومعلم من هستند. ادامه می‌دهد: خیلی‌چیزها ازآن‌ها یاد گرفتم که‌بسیاری ازآن‌ها قابل گفتن نیست. من به این بچه‌ها نیازدارم؛ اگر نیازنداشته باشم، اززندگی وکارم نمی‌زنم که‌برای آن‌ها وقت بگذارم، ضمن اینکه انگیزه این بچه‌ها نسبت‌به‌بچه‌های عادی، بیشتر است وبه‌هنر به‌عنوان تفریح نگاه نمی‌کنند.

اشفاقی می‌افزاید: حتی وقتی بیمار می‌شوم، تا دقیقه۹۰صبر می‌کنم که‌ببینم آیا حالم بهتر می‌شود تامجبور نشوم کلاس بچه‌ها رالغو کنم. درنهایت هم خودم نگران می‌شوم که‌نکند بچه‌ها را مریض کنم وگاهی به‌این دلیل نمی‌آیم.

این پدر دلسوز می‌گوید: گاهی‌اوقات ازرفتار بچه‌ها متوجه می‌شوم که‌من راخیلی دوست دارند، حتی پیش آمده است که‌با مددجویی کلاس نداشته‌ام، اما من راکه‌می‌بیند، بلند وکشدار فریاد می‌زند: سلاااام؛ به‌همین خاطر حتی اگر یک شاگرد هم اینجا داشته باشم، برایش وقت می‌گذارم وهفته‌ای دوبار به‌آسایشگاه می‌آیم.

با هم نو می‌شویم
به استقبال دوبهار

تحریریه شوق حضور

تقارن ماه رمضان با نوروز، تلاقی دو «نوشدن» است؛ یکی در جان و دیگری در جهان. رمضان، ماه پالایش درون و تمرین نوعدوستی است؛ ماهی که انسان با روزه‌داری، صبر، همدلی با نیازمندان و بخشش، فاصله‌اش را با رنج دیگران کمتر می‌کند. نوروز نیز جشن زایش دوباره طبیعت است؛ یادآور این‌که پس از هر زمستانی، بهاری در راه است و زندگی بار دیگر جوانه می‌زند.

بارش‌های بهاری در این هم‌زمانی، استعاره‌ای زیبا از رحمت و بخشندگی‌اند؛ همان‌گونه که باران بی‌منت بر همه می‌بارد، نوعدوستی نیز مرزی نمی‌شناسد. این بارش‌ها زمین تشنه را سیراب می‌کنند و دل‌ها را به امید و حرکت فرا می‌خوانند؛ پیامی روشن که کمک به همنوعان می‌تواند خشکی‌های زندگی را به طراوت بدل کند.

در این تقارن، نوروز به رمضان یادآوری می‌کند که تغییر ممکن است و رمضان به نوروز معنا می‌بخشد که نو شدن، تنها ظاهری نیست. الهام گرفتن از این هم‌زمانی یعنی تبدیل نیت‌های نیک به عمل: دستگیری از نیازمندان، تقسیم شادی‌ها، کاستن از آلام دیگران و کاشتن بذر مهربانی. چنین است که نوعدوستی، هم عبادت می‌شود و هم جشن؛ هم پاسخ به ندای وجدان و هم همراهی با ریتم بهار.

در تلاقی رمضان و نوروز، زمان به آیینه‌ای بدل می‌شود که هم چهره جان را می‌نمایاند و هم سیمای جهان را. رمضان، فصل تمرین همدردی و بندگب است است؛ ماهی که آدمی با گرسنگیِ آگاهانه، سیرابِ معنا می‌شود و با تمرین صبر و بخشش، دل را از غبار خودخواهی می‌شوید. نوروز اما جشن رستاخیز طبیعت است؛ نغمه‌ای که از خاک برمی‌خیزد و نوید می‌دهد زندگی پس از سخت‌ترین زمستان‌ها—راهی به جوانه‌زدن می‌یابد. این هم‌زمانی، گفت‌وگوی جان و جهان است؛ یکی به پالایش درون فرا می‌خواند و دیگری به شکفتن برون.

بارش‌های بهاری در این میانه، زبان رحمت‌اند. باران که بی‌منت می‌بارد، درس کرامت می‌دهد و یادمان می‌آورد بخشندگی، قانون طبیعت است. همان‌گونه که قطره‌ها زمین تشنه را بی‌تبعیض سیراب می‌کنند، نوعدوستی نیز مرزی نمی‌شناسد؛ **دستگیری از نیازمند، مرهمی است که بر زخم‌های خاموش می‌نشیند و امید را در کوچه‌های خسته می‌پراکند. بارانِ بهار، استعاره‌ای است از مهرِ انسانی: آرام، پیوسته و زندگی‌بخش.**

در این هم‌آغوشیِ مقدس، نوروز به رمضان می‌آموزد که نو شدن، امکانِ هر روزه است و رمضان به نوروز معنا می‌بخشد که جشنِ حقیقی، در مهربانی است. الهام از این تقارن، یعنی نیت نیک را به عمل رساندن؛ کاشتن بذر همدلی، تقسیم شادی‌ها، و سبک‌کردن بار رنج دیگران. چنین است که عبادت، به خدمت می‌پیوندد و جشن، به مسئولیت؛ و انسان، هم‌زمان با شکوفه‌ها، خود نیز دوباره متولد می‌شود.





سَرم شکست اما شدم فواد بسکتبالی

دارنده مقام آسیا در رشته بسکتبال معلولان، معتقد است کسانی به موفقیت دست می‌یابند که در برابر سختی‌ها کم نیاورند

فهیمه شهری

موفقیت ربطی به وضعیت جسمی ندارد

فواد مظفری که مقام سوم آسیا را دارد، اولین بار که روی ویلچر بسکتبال نشسته، آسیب دیده است.

مثل خیلی روزهای عادی در مسیر رفت‌وآمد بود که یک نفر صدایش زد. آن فرد مربی بسکتبال بود و به او گفت وضعیت جسمانی‌اش برای این رشته مناسب است. مربی از فواد مظفری افخم خواست به سالن بیاید و حداقل برای یک مدت کوتاه این رشته را امتحان کند. فردای آن روز فواد برای اولین بار پا در سالن بسکتبال گذاشت و روی ویلچر آن نشست. وقتی خواست دور بزند زمین خورد و سرش شکست. ولی با این وجود او به بسکتبال علاقه‌مند شده بود. حالا سه سال از آن زمان می‌گذرد و این دانش‌آموز محله رازی چندین مقام کشوری در این رشته دارد. فواد امسال مقام سوم آسیایی را نیز به دست آورده. او از بدو تولد دو پا ندارد و با چرخ های ویلچر راه می‌رود. یک دست او چهار انگشت و دست دیگرش دو انگشت دارد. فواد از نوزادی در بهزیستی بزرگ شده و در پایه دوازدهم رشته انسانی در مدرسه شهید رنگرز قاسم‌آباد درس می‌خواند.

حتی نمی‌دانستم بسکتبال چیست / اولین بار که روی ویلچر بسکتبال نشستم ترسیدم / سرم شکست اما شدم فواد بسکتبالی

زندگی با ویلچر اینقدر فواد را از ورزش دور کرده بود که حتی نمی‌دانست بسکتبال چیست. او تعریف می‌کند: دو سال پیش که خیلی اتفاقی در فیاضبخش و از کنار مربی‌ام غلامرضا نامی رد می‌شدم که او از من خواست به سالن بروم و تست بسکتبال بدهم. ان موقع اصلا نمی‌دانستم بسکتبال چه رشته‌ای هست و چه کاری باید بکنم.

او ادامه می‌دهد: وقتی روی ویلچر بسکتبال نشستم ترسیده بودم. با ویلچر خودم فرق داشت و نمی‌توانستم درست با آن حرکت کنم. مربی چند تا مانع گذاشت تا از آن‌ها عبور کنم اما همین که خواستم دور بزنم زمین خوردم و سرم شکست. با این حال فواد تصمیم گرفت تسلیم نشود او نمی خواست گوشه‌گیر باشد و با یک صدمه عقب بکشد. این اتفاق او را مصمم‌تر کرد تا بیشتر تمرین کند و اینقدر اراده و پشتکار به خرج داد که به قول خودش شد فواد بسکتبالی و بعد از دو ماه تمرین، به مسابقات رفت.

مسابقات همیشه برایم استرس داشت / بی‌تجربه بودم و در عین حال تشنه‌ی پیشرفت!

او تعریف می‌کند: سال ۱۴۰۱ مسابقات ملی لیگ دسته یک بود. ما بی تجربه و اعضای تیم حریف مان باتجربه بودند با این حال توانستیم مقام سوم را به دست آوریم. در این مسابقات مقام اول جوان‌ترین بازیکن به فواد داده می‌شود. او می‌گوید: حضور در

کنار بازیکنان باتجربه خیلی برایم سخت و استرس‌آور بود اما وقتی این عنوان را به من دادند بسیار خوشحال شدم و انگیزه بیشتری برای ادامه راه پیدا کردم.

این بسکتبالیست سال۱۴۰۲ وارد اردوی تیم ملی شد. او باز هم یاد استرس‌هایش می‌کند و می‌گوید: مسابقات همیشه برای من استرس داشت. سنم کم بود و بی‌تجربه و در عین حال تشنه‌ی پیشرفت. تیم ملی هم شوخی‌بردار نیست! کم بیاوری می‌بازی! خیلی‌ها آنجا حذف شدند اما خدا را شکر من با کمک مربی‌ام در تیم ملی ماندم و اردوهای بعدی و بعدی را رفتم.

او چنان در این اردوها و مسابقات خوش می‌درخشد که سال۱۴۰۳ اسمش در لیست ورزشکاران اعزامی به مسابقات آسیا در تایلند درمی‌آید.

به واسطه ورزش با جامعه وارد تعامل شدم / ورزش من را به مردم پیوند داد

وقتی از فواد درباره‌ی اولین تجربه‌ی حضورش در کشوری دیگر می‌پرسیم بعد از چند ثانیه تامل با خنده می‌گوید: اینقدر استرس مسابقات را داشتم و تمام ذهنم متمرکز آن بود که به هیچ چیز دیگری توجه نکردم.

این قهرمان تعریف می‌کند: وقتی در تایلند مدال برنز و سوم آسیا را گرفتیم از خوشحالی داشتم گریه می‌کردم.

خاطرات او را کمی به عقب می‌برند و تعریف می‌کند: اولین مسابقات را که می‌رفتم مربی‌ام همراهم می‌آمد اما بعد از دو سه بار، بلیت برایم گرفت و گفت دیگر باید خودت بروی.

فواد ادامه می‌دهد: من اهل صحبت کردن با مردم جامعه نبودم اما وقتی تنهایی از شهری به شهر دیگری می‌رفتم ناچارا خیلی وقت‌ها باید با دیگران هم صحبت می‌شدم و حتی زمان‌هایی برای جابجایی چمدان یا ویلچرم از آن‌ها تقاضای کمک می‌کردم.

فواد تاکید می‌کند: این تعاملات اجتماعی برای من خیلی خیلی خوب بود. به واسطه ورزش توانستم با جامعه و مردمش ارتباط برقرار کنم.

جای خالی پدر و مادر را برایم پر کردند / موفقیت از آن کسانی است که خسته نشوند

برعکس اینکه او ذهنیت خاصی از تایلند ندارد، خاطرات شیرینی از هنگام بازگشت به ایران برایش رقم خورده که این گونه تعریف می‌کند: وقتی برگشتیم، در فرودگاه خیلی‌ها به استقبالم آمده بودند. انتظارش را نداشتم. در بین شان مسئولان فیاض‌بخش و خیران هم حضور داشتند. از دیدنشان خیلی خوشحال شدم. برایم حکم پدر و مادر را داشتند. آن‌ها پشتم بودند که توانستم پیشرفت کنم و خدارا شاکرم که سربلند و با مدال برگشتم.

این مقام‌های فواد فراتر از یک مقام ورزشی، مثل یک بمب انرژی باعث انگیزه‌بخشی در هم‌نوعانش شده است. او مدام به دیگر معلولان می‌گوید: «خواستن، توانستن است»، «معلولیت، محدودیت است اما مانع پیشرفت نیست»

به نظر فواد موفقیت ربطی به وضعیت جسمی ندارد. کسانی به آن دست می‌یابند که در برابر سختی‌ها کم نیاورند و از تلاش خسته نشوند.

بهترین خودش است / نمی‌گوید چرا من؟!

غلامرضا نامی، مربی فواد می‌گوید: تاکنون تعداد زیادی از توانخواهان فیاض بخش به مقام‌های آسیایی و حتی جهانی راه پیدا کرده‌اند و فواد در سن پایین‌تر با الگوبرداری از آنان به این مقام دست یافته است و این موضوع اینقدر به دیگر معلولان انگیزه داده که چندین نفر بعد از او به سمت ورزش آمده‌اند.

نامی از فواد به عنوان ورزشکاری آرام، کم صحبت و دارای تلاش و پشتکار یاد می‌کند و می‌گوید: برخلاف عده‌ای از معلولان، فواد اهل غر زدن نیست.

نمی‌گوید چرا من روی ویلچر هستم. چرا خانواده‌ام سراغم را نمی‌گیرند و .... همین شرایطی را که دارد پذیرفته و سعی می‌کند بهترین خودش باشد. خداراشکر با همین روحیه توانست به جایی برسد که خیلی‌ها حتی با وضعیت جسمی بهتر نمی‌توانند به آن دست یابند.





سرنوشت الهام‌بخش یک ورزشکار معلول

بنیامین؛ از آسایشگاه تا سکوی افتخار

■ ورزشکار نوجوانی که تا چند ماه پیش ناشناخته بود، امروز به چهره‌ای الهام‌بخش بدل شده و نشان داده است که هیچ محدودیتی نمی‌تواند مانع درخشش شود.

■ خدای بزرگ چنان تقدیری برای انسان‌ها رقم می‌زند که باور آن می‌تواند برای هر کسی سخت و غیر قابل تصور باشد، اما آنچه که در سرنوشت از سوی حق تعالی ثبت می‌شود، بدون شک چیزی جز خیر انسان نخواهد بود.

■ این شرایط به وضوح در سرنوشت بنیامین وحیدی دیده می‌شود؛ ورزشکاری که در بازی‌های پاراآسیایی جوانان ۲۰۲۵ امارات نامش را به عنوان یک مدال‌آور ثبت کرد و یکی از مدال‌آوران این سرزمین شد.

■ زندگی بنیامین ۱۵ ساله داستانی دارد که بیش از یک مدال برنز ارزشمند است؛ داستانی از امید، تلاش و ایمان به توانایی‌های درونی. او که از ناحیه پا دچار معلولیت است و زندگی‌اش را در آسایشگاه فیاض بخش سپری می‌کند، تنها یک سال پیش به صورت تفریحی راکت تنیس روی میز را در دست گرفت. شاید آن لحظه برای خودش هم باورکردنی نبود که همین سرگرمی ساده، روزی به سکوی افتخار در بازی‌های پاراآسیایی جوانان ۲۰۲۵ امارات ختم شود.

■ چهار ماه قبل و دعوت به اردوی پاراتنیس روی میز، نقطه‌ای بود که مسیر زندگی بنیامین را تغییر داد. او با تمرین‌های پیوسته و پشتکار مثال‌زدنی، توانست اعتماد مربیان را جلب کند و در نهایت به تیم ملی راه یابد. نتیجه این تلاش‌ها، مدال برنزی شد که نه تنها بر گردن او نشست، بلکه بر قلب همه کسانی که شاهد این مسیر بودند، نقش بست.

■ آنچه بنیامین وحیدی را الهام‌بخش می‌کند، نه فقط مدالی است که کسب کرده، بلکه تحول در نگاه به زندگی است. نوجوانی که تا چند ماه پیش زندگی معمولی و بی‌نام‌ونشانی داشت، امروز به نماد امید و توانایی در جامعه و اطرافیانش بدل شده است. او نشان داد که محدودیت‌ها پایان راه نیستند؛ بلکه می‌توانند سکوی پرتابی برای رسیدن به قله‌های تازه باشند.

■ بنیامین اکنون فراتر از یک ورزشکار است؛ او یادآور این حقیقت است که هر انسان، فارغ از شرایط، می‌تواند با ایمان و تلاش، سرنوشت خود را بازنویسی کند. مدال او تنها یک فلز نیست، بلکه پیامی است به همه نوجوانان؛ اینکه به توانایی‌های خود باور داشته باشند و هیچ محدودیتی نمی‌تواند مانع پروازشان شود/سرویس ورزشی خبرگزاری تسنیم





روایت یک موزع دوست‌داشتنی

یکی از مددجویان آسایشگاه فیاض‌بخش مشهد با وجود معلولیت ۱۵ سال مسئولیت توزیع روزنامه را برعهده داشته است.

● سعیده آل‌ابراهیم

روایت آنچه که او از زندگی‌اش ساخته به یافتن روزنه‌ای نور در دلِ تاریکی می‌ماند، البته تاریکی که ما نورش را نمی‌بینیم. تمام سال‌های خوش دوران نوجوانی‌اش را در آسایشگاه معلولان گذرانده است تا الان که شمار سال‌های سن شناسنامه‌ای‌اش نیم قرن را هم رد کرده است. چهره مهربان و مردانه‌ای دارد که اگر معلولیت جسمی رهایش می‌کرد، می‌توانست در هزار و یک شغل کار کند و روزگار بگذراند؛ اما باور نداشت که درون چاردیواری آسایشگاه کار برایش محال است به همین خاطر برای حدود ۱۵ سال موزع روزنامه در داخل آسایشگاه شد. سیدسعید حسینی حالا که رنگ ریش و موهایش سفید شده و چروک‌های سن و سال بر پیشانی و گوشه چشم‌هایش نشسته است، هنوز آن روزهای شیرین را به خاطر دارد و وقتی از آن صحبت می‌کند گوشه لب‌هایش به نشانه لبخندی کج می‌شود. چند سالی است که دیگر ضعف عضلات او را ویلچرنشین کرده است، اما او آدمِ نشستن نیست؛ هنوز هم دلش می‌خواهد هنر جدید یاد بگیرد و مسئولیت کاری را یک تنه به دوش بکشد. مسئول توزیع روزنامه‌های مشهد در آسایشگاه فیاض‌بخش سمتی است که هنوز هم به داشتنش افتخار می‌کند. روایتی که کارشناس روابط عمومی از سال‌های همکاری با سعید به خاطر دارد، این است که با وجود معلولیت، بسیار منظم بود و هر صبح راس ساعت به روابط عمومی می‌آمد، روزنامه‌ها را تحویل می‌گرفت و سپس توزیع می‌کرد. صحبت کردن سعید مانند قطاری است که دیر به ایستگاه می‌رسد، اما می‌رسد؛ معلولیت بر قدرت تکلم او اثر گذاشته است و به سختی حرف می‌زند. فهم بعضی از کلماتش آسان است و برخی دیگر از جملاتش را باید برایم ترجمه کنند. خودش می‌گوید: شهرآرا، قدس، خراسان، جام جم هم بود. ۱۰ تا ۱۲ مقصد برای تحویل روزنامه تعیین شده بود از کتابخانه گرفته تا دفتر مدیرعامل، پزشک، اتاق‌های مختلف در بخش مردان و زنان، بخش دانش‌آموزان و ... که باید سعید روزنامه را به آن‌ها می‌رساند و بردن آن‌ها با دست ممکن نبود، به همین دلیل مسئولان آسایشگاه جلوی واکر سعید سبدی نصب می‌کنند تا بتواند روزنامه‌ها را داخل آن بگذارد. کسی از او نخواسته بود که بابت توزیع روزنامه‌ها گزارش کار بدهد، اما سعید خودش دفتری برای این کار در نظر گرفته بود و هر روز ساعت تحویل، توزیع و تعداد روزنامه‌ها را در آن می‌نوشت؛ با اینکه این کار روزمره بود، اما بازهم هر روز این تکرار را تکرار می‌کرد. سعید به قدری دقیق و سریع این کار را انجام می‌داد که روابط عمومی مسئولیت رساندن نامه‌های اداری به بخش‌های مختلف را هم به سعید می‌سپرد. طبق گفته روابط عمومی، خوشحالی سعید در آن روزها دیدنی بوده است به خصوص مواقعی که با او کار داشتند و از طریق بلندگو صدایش می‌زدند تا به دفتر روابط عمومی برود و با چنان ذوق و سرعتی خود را به آن‌جا می‌رسانده است که گفتنی نیست. خانواده او در آمل زندگی می‌کنند و به او سر می‌زنند، حتی تابستان‌ها هم سعید را با خود می‌برند تا حال و هوایی عوض کند. با این وجود سعید بازهم روزهای حضورش در آسایشگاه را به بطالت نمی‌گذراند، با وجود سن و سال و جنسیتش روحیه لطیفی دارد و روزهای سه‌شنبه سر کلاس نقاشی حاضر می‌شود. مصاحبه ما هم با سعید مابین یکی از نقاشی‌هایش اتفاق افتاد وقتی رنگ زرد را با قلم روی بوم‌سفیدرنگ‌نوازش‌می‌کرد.

فاطمه اسماعیل‌پور؛ فرشته این خانه

به احترام دختری که با دهانش دنیا را نقاشی کرد.

● نگار چاوشان



گاهی خدا بعضی از بندگانش را با رنگی دیگر می‌آفریند، نه با دستانی از جنس همه که با روحی بزرگ و با گام‌هایی پرصدا که با پرواز خیال نه با کلمات بلکه با سکوتی که بوم را به جهانی از معنا و عشق تبدیل می‌کند.

در گوشه‌ای از این شهر، در جغرافیایی کوچک اما به وسعت قلب‌هایی که برای زندگی می‌تپند؛ نازنین دختری از لبخندش رنگ‌ها جان می‌گرفتند و با حرکات آرام دهانش بوم‌ها شعر می‌سرودند. فاطمه با نام هنری فرشته، دختر هنرمند آسایشگاه شهید فیاض‌بخش؛ نه فقط نقاش بلکه نشانه‌ای از قدرت خداوند که هر روز صبح آفتاب از برق نگاهش رنگ می‌باخت. هم او که از کودکی که به این خانه پا گذاشت عطش خواستن و توانستن در نگاهش به وضوح نمایان بود و ذوق آموختن او را هر روز بیش از پیش به حرکت وامی‌داشت.

نقاشی‌های او در دو گالری شهرمان آنچنان زیبایی را مهمان چشم‌ها کرد که توانست دوستانی پا در رکاب را جذب خود نماید. در جشنواره بین المللی همام، توانست در میان هنرمندان کشوری و بین‌المللی مقام برگزیده اثر برتر با دهان را کسب نماید.

او از نوجوانی همواره به دنبال حال خوب، کارهای متفاوتی را تجربه می‌کرد.

طراحی کارت پستال‌هایی با تصاویر ابتکاری، فعالیت در گروه‌های همخوانی و موسیقی، شرکت در کارگاه تفکر خلاق بخشی از علاقه‌مندی‌های او بود.

اما حالا چند ماه است که صدای ظریفش که با تلالو خورشید، بانگ می‌داد را نداریم: اومدم انرژی بدم و حال خوش ببرم...

او روزهای سختی را سپری کرد اما همچنان متبسم بود...اگر چه گاه آه می‌کشید و چه بسا گلایه هم داشت اما باز می‌گفت: می‌خواهم سبکبارتر از همیشه باشم... پس می‌بخشم و می‌بخشایم.

او در نجوایش، آنچنان خالص و صادق بود که خدا آرزوی او را به ما ترجیح داد و اینگونه شد که به آغوش امنش پرکشید.

حالا ما مانده‌ایم و یک دنیا دلتنگی...

فرشته نازنین؛ حالا این و مایم و بومهایی که تو را صدا می‌زنند.

تو رفتی اما نه خاموش و بی‌ردپا و نه کم‌رنگ مثل دیگران.

فاطمه جان تو خود رنگ بودی...رنگ زندگی، رنگ امید و رنگ ایمان...رنگی از جنس فرشته.

در آخرین نمایشگاه مجموعه آثارت در گالری درخت؛ از تو هنر واقعی "صبوری" را آموختیم...از تو که با دنیایی از درد و بدنی خسته همچون کوه استوار و همچون آسمان، آبی و زلال بودی.

غم سنگین نبودنت را با رویای شیرین لبخندت، آرام می‌کنیم. حالا که در آرامشی برایمان بیشتر دعا کن تا بتوانیم فاطمه های این خانه را بهتر و بیشتر ببوئیم.













در این خانه چه می‌گذرد !؟

این صفحات تنها گوشه ای از مهربانی و لطف دوستان و نیکوکاران عزیز
و بازتاب خدماتی است که به پشتوانه حمایت شما در این خانه انجام می‌شود.
اخبار کامل را در سایت دنبال کنید.

fayyazbakhshcharity

www.fbrc.ir

برنامه‌های روز جهانی معلولین



● سینما هویزه و یک روز به یادماندنی

توان‌خواهان بخش مردان و زنان آسایشگاه شهید فیاض‌بخش نشستند در سینما هویزه به و تماشای فیلم منتخب خود، روزی شاد و به‌یادماندنی را تجربه کردند.

● جشن کتاب و تجلیل از فعالان کتابخوانی

مراسمی صمیمی در کتابخانه آسایشگاه برگزار شد و از متصدیان و فعالان این حوزه تجلیل به‌عمل آمد. همچنین از توان‌خواهان هنرمند و مربیانی که در جشنواره بین‌المللی «همام» خوش درخشیده بودند تقدیر شد. رونمایی از کتاب‌های جدید اهدایی و حضور پزشکان افتخاری و یاوران عزیز از بخش‌های ویژه این برنامه بود که با تقاضای آنان قطعات موسیقی راه یافته در جشنواره توسط توانخواهان هنرمند نواخته شد. کتابخانه آسایشگاه با بیش از ۱۲ هزار جلد کتاب و کتابخانه سیار، نقش مهمی در ترویج مطالعه ایفا می‌کند.

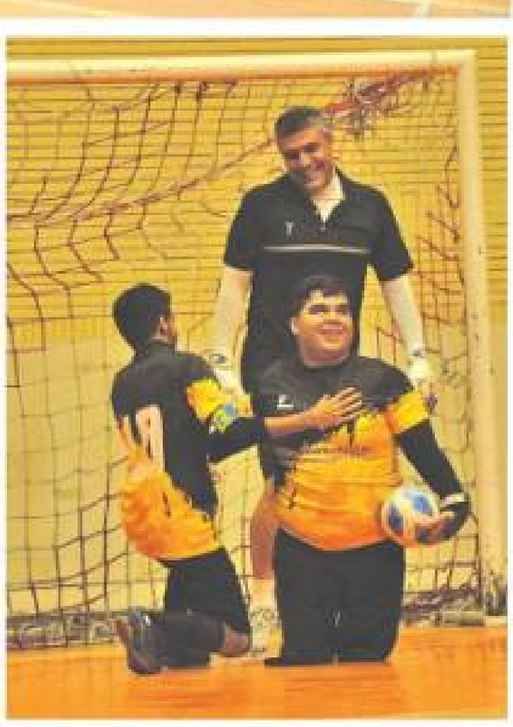


● فوتبال؛ رقابتی پرهیجان و صمیمی

در ادامه ویژه‌برنامه‌های روز جهانی معلولین، مسابقه جذاب فوتبال بین توان‌خواهان آسایشگاه شهید فیاضبخش و تیم منتخب فوتبال، فوتسال و رسانه‌های ورزشی در مجموعه ورزشی علی‌حمیدی برگزار شد. این دیدار با حضور پرشور تماشاگران و مسئولان استانی از جمله دکتر مهدی برجی مدیرکل بهزیستی استان، حسن فرخی رئیس اداره بهزیستی مشهد، سیدحسین علوی‌مقدم و مجید. طهوریان اعضای شورای شهر، پیشکسوتان ورزشی، کارکنان و توان‌خواهان همراه بود.در بین دو نیمه، با گرامیداشت یاد زنده‌یاد محسن صنوبری پیشکسوت فقید فوتبال استان، از خانواده ایشان، تیم مهمان و دو بازیکن ملی‌پوش فوتبال هفت‌نفره هادی خوش اقبال و علیرضا احمدی تقدیر شد. همچنین مسئولان حاضر در سخنان کوتاهی بر اهمیت ورزش و نقش مؤثر موسسه شهید فیاض‌بخش در حوزه ورزش معلولین تأکید کردند.









● ویلچررانی

ویلچررانی در سه کلاس، با شور و نشاط توان‌خواهان در محوطه آسایشگاه انجام شد. توان‌خواهان زن و مرد در رقابتی دیدنی شرکت کردند ودر پایان به نفرات برتر جوایزی اهدا شد. کارکنان و مسئولان آسایشگاه نیز در این مسابقه حضور یافتند تا در این تجربه هیجان‌انگیز سهیم باشند و لحظاتی بر پاهای توانخواهان حس راه رفتن را تجربه کنند.



● مراسمی در اوج صمیمیت و ارائه توانمندی ها به دوستان این خانه

گرامیداشت روز جهانی معلولین با حضور توان‌خواهان، مسئولان، خیرین، یاوران و جمعی از هنرمندان در آسایشگاه شهید فیاض‌بخش برگزار شد. اجرای هنرمندانه گروه «آوای آسایشگاه»، سخنرانی الهام‌بخش سیدجعفر تقی‌پور به شیوه «تد»، تقدیم هدایا به توان‌خواهان و سخنان صمیمی یوسف کامیار مدیرعامل و محسن توحیدی‌مقدم معاون آسایشگاه، از بخش‌های شاخص این مراسم بود. در پایان، قطعنامه با عنوان "قول و رفتاریکی" توسط مسئول روابط عمومی و امورفرهنگی هنری به نمایندگی اهالی فیاض بخش خوانده شد. این رویداد با پوشش خبری صدا وسیما، رسانه‌های مکتوب و آنلاین و انجمن عکاسان خراسان رضوی همراه بود.از حامی مالی و معنوی این مراسم، مهندس حسنی‌عزیز کمال‌سپاس رادارایم.

فرهنگی‌وهنری



● درخشش «آوای فیاض‌بخش» در جشنواره موسیقی خواف

گروه هنری «آوای فیاض‌بخش» با اجرای همخوانی و دف‌نوازی در جشنواره استانی موسیقی افراد دارای معلولیت، یادواره استاد عثمان محمدپرست، عنوان گروه برگزیده جشنواره را کسب کرد و افتخاری دیگر برای این مجموعه رقم زده شد.

● دعوت از هنرمندان فیاض‌بخش در جشنواره بین‌المللی همام در تهران

هنرمندان توانخواه آسایشگاه فیاض‌بخش با آثار خود در چهارمین جشنواره بین‌المللی «همام» در فرهنگسرای هنر تهران حضور یافتند. تکتم کریمی، حمید شفاعتی و فاطمه معروفی در رشته نقاشی و هستی همایونی و محمدحسین جامه‌باف در رشته دفنوازی آثارشان برای عرضه و نمایش در این جشنواره راه یافت.

این رویداد فرصت معرفی فعالیت‌های موسسه به مسئولان، هنرمندان و خیرین را فراهم آورد.

•



تیم فرهنگی فیاض بخش در جشنواره



مسئولان فیاض بخشی در کنار هنرمندان فیاض بخشی



تقدیر آقای مهندس حسنی عضو هیأت امنای موسسه فیاض بخش از دیگر معلولین توانمند حاضر در جشنواره



همزمانی این جشنواره با گرامیداشت روز پرستار و قدردانی از خانم زهرا قلی پور مدیار زحمتکش و همراه توانخواهان

تعامل هنرمندان فیاض بخش با دیگر معلولان توانمند جشنواره

حضور چهره های مطرح هنری و کشوری در جشنواره





























دیگر خبرها



● اجرای طرح واکسیناسیون فصلی آنفولانزا

طرح واکسیناسیون فصلی توان‌خواهان آسایشگاه فیاض‌بخش با حمایت خیرین و همکاری مرکز بهداشت شماره یک اجرا شد تا از سلامت این عزیزان در برابر بیماری‌های فصلی محافظت شود.



● نبض زندگی در واحد فیزیوتراپی

روزانه ۱۰۰ تا ۱۲۰ توانخواه از خدمات فیزیوتراپی بهره‌مند می‌شوند. تیمی متشکل از ۶ کارشناس با تخصص کافی در کنار آنان هستند؛ جایی که معجزه با تمرین و امید ساخته می‌شود.



● نو شدن لوله‌کشی و آب‌رسانی، طراوتی دوباره به بخش‌هابخشید

سیستم لوله‌کشی و موتورخانه آسایشگاه که سال‌ها به دلیل فرسودگی و قدمت بالا با مشکلات جدی مواجه بود، با تلاش‌های بی‌وقفه واحد فنی مهندسی و حمایت خیرین عزیز به طور کامل تعویض و بازسازی شد. این بازسازی، آرامش و رفاه را به حمام‌های بخش‌های مختلف بازگرداند و لبخند رضایت را بر چهره توانخواهان نشاند.



● مهربانی به زبان عربی؛ پنج اتاق بخش اطفال و زنان با دستان خیرین عزیز بازسازی و مجهز شد

با همت جمعی از خیرین عرب زبان، پنج اتاق در بخش اطفال و زنان آسایشگاه بازسازی و به تجهیزات نوین مجهز گردید؛ این حرکت خداپسندانه، شادی و آرامش را به ارمغان آورد. همچنین تعدا زیادی تخت و تشک نو با کهنه و مستهلک نیز تعویض گردید.



● هدیه‌ای ارزشمند به کلینیک دندانپزشکی فیاض؛ دستگاه اسکنر قالب‌گیری دندان برای معلولین اهدا شد

خیرین گرانقدر با اهدای دستگاه اسکنر قالب‌گیری دندان به کلینیک دندانپزشکی فیاض، گامی بزرگ در بهبود خدمات پزشکی معلولین به ویژه معلولین ذهنی و اوتیسم برداشتند. این دستگاه که جایگزین روش‌های سنتی و دردسرساز قالب‌گیری خمیری شده، باعث راحتی و کاهش استرس بیماران گردیده است.



● بازدید دانش‌آموزان از ایران‌خودرو بینالود

توان‌خواهان بخش دانش‌آموزی به همراه مسئولان موسسه از کارخانه ایران‌خودرو بینالود بازدید کرده و با فرآیند تولید و مونتاژ خودرو آشنا شدند.



● بازدید دانشجویان از آسایشگاه شهید فیاض‌بخش مشهد

از ابتدای سال ۱۴۰۴ تاکنون، دانشجویان دانشگاه‌های فردوسی، خیام، سجاد، خردگرایان مطهر، حکمت رضوی، الزهرا، بینالود، آزاد، علوم پزشکی و حکیم طوس با حضور پرشور خود از بخش‌های مختلف آسایشگاه بازدید کرده‌اند و ضمن بهره‌مندی از فعالیت‌های تخصصی در زمینه رشته تحصیلی شان، به گفته خودشان، با حال خوب موسسه را به امید دیداری دوباره ترک کردند

خبرهای خوش (توانبخشی امید آفرید)



● محمدصدرا، کودک شش‌ماهه‌ای که دوباره متولد شد

محمدصدرا که با شکاف کام و معلولیت جسمی به مرکز فیاض‌بخش قدم گذاشت، پس از جراحی، درمان و توانبخشی، به زندگی بازگشت و با حمایت مددکار بخش، به آغوش خانواده‌ای مهربان سپرده شد.



● فاطمه؛ دختری از روستا تا صحنه نمایش

فاطمه خاکشور با وجود معلولیت شدید و مشکلات خانوادگی، نه تنها به تحصیل ادامه می‌دهد بلکه در فعالیت‌های فرهنگی، زبان و تئاتر حضور پررنگ دارد. او حالا روی صحنه می‌درخشد و لبخند به زندگی می‌زند.(گفتگوی کامل در همین شماره)



● صبا، حالا مستقل و پرتوان

صبا آذریان که پیش‌تر به مددیار وابسته بود، اکنون با فیزیوتراپی منظم می‌تواند امور شخصی خود را انجام دهد و حتی از تخت بالا و پایین برود.



● اکرم، قدم به قدم به سوی استقلال

اکرم تابعی؛ فرزند بخش زنان موسسه با تمرین مداوم، حالا با واکر راه می‌رود و در انجام کارهای شخصی پیشرفت چشم‌گیری دارد. او حالا در کلاس‌های نقاشی و گروه آوای فیاض بخش با نظم و انگیزه شرکت می‌کند.

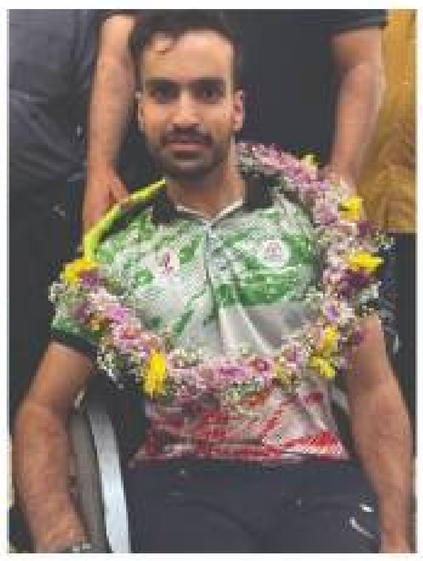


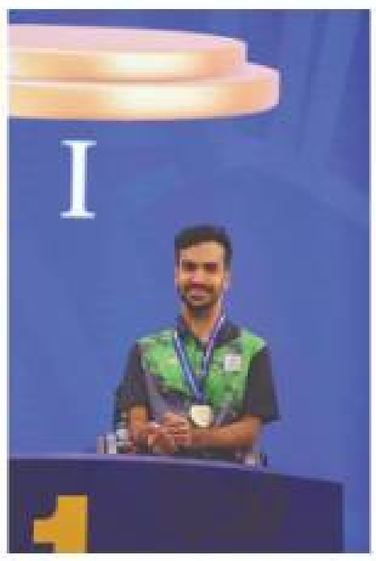
● سمیه؛ با نویی که از دل حادثه با هنر و امید راه می پیماید

سمیه بهادریان، با توانبخشی و امید دوباره جان گرفت. حالا در کارگاه چرم‌دوزی فعال است و در گروه آوای مؤسسه می‌درخشد. او حال مادر گروه هنری، نام گرفته است.

خبر ورزشی







● موسی رئوفیان قهرمان مسابقات بین المللی قزاقستان

موسی رئوفیان ملی پوش کشورمان (فرزند توانمند آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش) در کلاس BC۲ توانست همه حریفان خود را شکست دهد و قهرمان این مسابقات شود.



● دومین دوره مسابقات بسکتبال با ویلچر با نوان (سه به سه) یادمان زنده یاد محمد کامیابی

دومین دوره مسابقات بسکتبال با ویلچر بانوان(سه به سه) در ورزشگاه علی حمیدی برگزار گردید. در اختتامیه این مسابقات با حضور مسئولان آسایشگاه، پیشکسوتان ورزشی و خیرین گرانقدر از تیم های برتر تجلیل شد.



●کسب مقام سوم تیم بوچیای فیاض‌بخش نماینده خراسان رضوی

مسابقات بوچیای قهرمانی کشور بانوان با حضور ۶۵ ورزشکار از ۱۹ استان در تهران برگزار شد و تیم خراسان رضوی با هدایت فاطمه شریعتی به مقام سوم دست یافت. در این رقابت‌ها نفیسه خلیلیان در کلاس BC۲ مدال طلا و فرزانه دلارامی در کلاس BC۱ مدال نقره را کسب کردند. درخشش ورزشکاران عزیز فیاض بخش در این مسابقات باعث دعوت آنان به تیم ملی ایران شد.

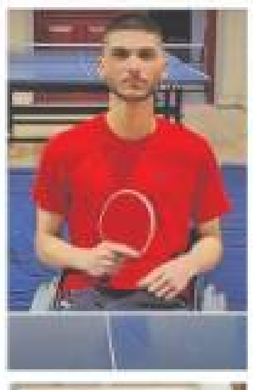


● بازگشت افتخار آمیز ورزشکاران فیاض‌بخش از مسابقات پارا آسیایی جوانان

ورزشکاران افتخارآفرین آسایشگاه شهید فیاض‌بخش پس از درخشش در مسابقات پارا آسیایی جوانان امارات، با استقبال گرم مسئولان و کارکنان وارد فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد مشهد شدند.

عناوین کسب شده در این رقابت‌ها:

- غلامرضا نامی و فواد مظفریان: مدال طلای بسکتبال با ویلچر مردان
- فاطمه مولایی و رقیه صالحی: مدال نقره بسکتبال با ویلچر زنان
- بنیامین وحیدی و امیرهمایون چوگانیان با مربیگری
- سعید نیک‌فرجام: مدال برنز تنیس روی میز
- نازنین رقیه ملاعلی‌پور: مدال نقره بوچیا















آسایشگاه شهید فیاض‌بخش با اعزام ۸ ورزشکار و مربی، نقش مؤثری در افتخار آفرینی کاروان ملی پوش ایران ایفا کرد.

درخششی دیگر در صحنه تئاتر
از فرزندان توانمند این خانه

● نگار چاوشان

سه سال نه فقط زمان بود، بلکه سفری بود از دل سکوت تا اوج صدا. سفری که با گام‌هایی آرام آغاز شد، گام‌هایی لرزان اما سرشار از باور. در اتاقی ساده، در فضایی آشنا، جرقه‌ای کوچک شعله کشید: تصمیم برای ساختن نمایشی از دل توان، از بطن دل‌هایی که سال‌ها فرصت دیده شدن نداشتند.

حالا این جرقه، پس از سه سال تمرین عاشقانه و بی‌وقفه، به نوری پرفروغ تبدیل شده است. نوری که روی صحنه‌ی تئاتر نشست و چشم‌ها را روشن کرد؛ دلی را لرزاند، اشکی را جاری ساخت، و قلبی را به تپش واداشت.

با افتخار، نخستین اجرای رسمی گروه تئاتر آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش با نمایش «زمزمه‌ها» به کارگردانی هنرمندانه‌ی مهدیه جلالی، در ۳۱ خرداد ۱۴۰۴ در **پردیس تئاتر مستقل، تماشاخانه استاد لطفی** برگزار شد؛ اجرایی که فراتر از یک تئاتر بود، تبلوری بود از عمق انسانیت، از توان خلاق، از صدای خاموشی که بالاخره شنیده شد.

بازیگران این نمایش *فاطمه ابراهیم‌بای، مژگان کوهکن، فاطمه خاکشور و سمیه صادقی* هر یک سفیرِ بخشی از این رویا بودند. بازیگر نبودند، بلکه خود زندگی را بر صحنه جاری ساختند. با تمام وجود، با هر حرکت و نگاه، با هر واژه و مکث، قصه‌ای را روایت کردند؛ قصه‌ای از دل و درد و درخشش.

«زمزمه‌ها» فقط نمایشی هنری نبود، بلکه آیینه‌ای بود از پایداری انسان. آیینه‌ای که نشان داد توان‌خواه بودن، به‌معنای محدود بودن نیست؛ به‌معنای متفاوت درخشیدن است.

تا پیش از این، توان‌خواهان آسایشگاه شهید فیاض بخش افتخارات زیادی در عرصه‌ی ورزش و تحصیل رقم زده بودند، اما این بار با هنر خود، مرزها را شکستند. آن‌ها نشان دادند که بر صحنه نیز می‌توانند نقش‌آفرینانی بزرگ، تأثیرگذار و الهام‌بخش باشند. این اجرا، نخستین گام در راهی‌ست که بی‌شک به درخشش‌های بزرگ‌تر خواهد انجامید؛ راهی که آغاز شده تا صحنه، مأمنی باشد برای رشد، برای آفرینش، برای باور به خویشتن.

زمزمه‌ها نامی‌ست که از دل سکوت برآمده، صدایی‌ست که تا عمق جان می‌رود. این اجرا پیام روشنی داشت: هر انسانی سزاوار آن است که شنیده شود، دیده شود، و فرصت شکوفایی بیابد.

از دل آسایشگاهی در حاشیه‌ی شهر، اکنون صدایی برخاسته که مرکز توجه دل‌ها شده است؛ صدایی که اگر گوش بسپاریم، خواهیم شنیدش — نرم، نجواگر، اما محکم و پرطنین.

این تنها یک پایان نیست؛ این آغاز است.

آغازی برای نسلی از هنرمندان توانمند که جهان را با زیبایی متفاوت‌شان در آغوش خواهند کشید.








برشی کوتاه از اجرای تئاتر، حضورپرشور علاقه مندان هنر و تقدیر از هنرمندان این خانه

شکفتن هنر ماست

امور فرهنگی هنری

آسایشگاه فیاض بخش

در خانه‌ای از جنس نور و لبخند، جایی میان دیوارهایی که امید را بازتاب می‌دهند، این خانه مأمن دل‌هایی‌ست که به جای نگریستن به ناتوانی، به توانستن می‌اندیشند. در اینجا، هر کلاس فرهنگی‌هنری، چون پنجره‌ای‌ست رو به افق روشن استعداد و انگیزه. بچه‌ها، با ویلچر یا عصا، اما با قلبی سوار بر بال آرزو، از راه می‌رسند؛ مشتاق، پرانرژی، منظم‌تر از هر کلاس رسمی. مربیان نیز، داوطلبانه، بی هیچ چشم‌داشتی، با دل‌هایی لبریز از مهر و حضوری از سرِ شوق، هر جلسه را به جشن یادگیری و خلقت تبدیل می‌کنند.

اینجا هنر تنها یک فعالیت فرهنگی نیست؛
هنر، زبانِ زندگی‌ست، راهی‌ست برای نفس کشیدن، برای گفتن بی‌کلام، برای دیدنِ آن‌چه فراتر از جسم است.
نه محدودیت که انگیزه ... نه ناتوانی، که شکوفایی.

خوشنویسی



اساتید مجرب؛ مردان، زنان و دانشآموزان را آموز می‌دهند.

در این کلاس، قلم‌ها بر سپیدی کاغذ می‌رقصند؛ بی‌صدا، اما پرطنین.

دست‌هایی که شاید توان ظاهری‌شان اندک باشد، اما از درون قدرتی حیرت‌انگیز دارند.

مربیان مهربان کلاس، با صبوری تمام، به هر حرکتِ قلم، جان می‌بخشند. خطوط نستعلیق و شکسته، نه فقط تمرین نوشتار، که تمرینی برای تمرکز، آرامش و اعتماد به نفس‌اند.

تعداد هنرجویان: ۱۵ نفر

نقاشی روی سفال



اینجا ظرف‌های ساده و سفالی، جان می‌گیرند.

با هر رنگ و طرح، گویی خاطره‌ای بر پیکر خام سفال حک می‌شود.

هنرجویان با ظرافتی دیدنی، ظرف‌ها را با نقش‌های و ابتکاری خود می‌آرایند؛

و چه زیباست دیدن اثری که از دل خاک برآمده و با هنری بی آلایش آراسته، شده.

محصلین و زنان این خانه در این کلاس شرکت فعال دارند : ۱۴ نفر

نقاشی





هنرجویان این کلاس، با هر ضربه قلم‌مو، رویایی را به تصویر می‌کشند؛
گاه منظره‌ای از طبیعت، گاه خاطره‌ای شیرین، و گاه تصویری از امید.
اینجا نقاشی تنها یک هنر نیست، زبان دل‌هاست.
این کلاس، جلوه‌ای خاص دارد. چرا که یکی از مربیان آن فرزندانی از همین خانه است که چندتن از زنان را بطور اختصاصی آموزش می‌دهد.
چه شیرین است تماشای دختری توانمند که روزگاری در جایگاه هنرجو نشسته بود و اکنون با افتخار ایستاده و آموخته‌هایش را با عشق هدیه می‌دهد. همدلی میان او و هنرجویان، بی‌مانند است.
نقاشی‌های این کلاس، اغلب رنگ‌هایی دل انگیز، لطیف و رویایی دارند.
هنرجویان: ۳۸ نفر

موسیقی و آوا



اینجا، صداها رنگ احساس می‌گیرند.
بچه‌ها با دل‌های پر از حرف، یاد می‌گیرند چگونه احساسشان را بخوانند.
گاه آرام، گاه پرشور، اما همیشه از دل.
در این کلاس، هر تمرینی گامی‌ست برای خواستن ... و اعتماد به نفس بیشتر ، برای دیده‌شدن، و برای باورِ «من می‌توانم».
این کلاس به دو گروه حرفه ای و مبتدی تقسیم شده است هر گروه شامل ۸ نفر از توانخواهان است که از سال ۱۳۹۷ کار خود را آغاز کرده است.

تفکر خلاق برپایه کتابخوانی



اتاقی ساده، اما سرشار از گفت‌وگو.
در این حلقه دوستانه، شرکت کنندگان فکر می‌کنند... حرف می‌زنند، ، قصه می‌شنوند و قصه می‌گویند.
کتاب‌ها بهانه‌اند؛ اصل، همان ذهن‌های روشن و دل‌های مشتاقی‌ست که در هر جلسه، می‌پرسند، تحلیل می‌کنند و از مرزهای محدودیت عبور می‌نمایند.
۱۲ شرکت کننده هر هفته پیگیر تشکیل این کلاس هستند

دف‌نوازی



دف‌ها در دستانی می‌چرخند که شاید لرزان باشند، اما وقتی بر چرم دف می‌کوبند، زمین از این شور به لرزه می‌افتد.
ریتم‌ها ساده نیستند، اما هنرجویان با شوقی وصف‌نشدنی یاد می‌گیرند تا چگونه با هر ضرب، ضربان دل‌شان را فریاد کنند.
۷ نوآموز خردسال و بزرگسال با عشق در دو دوره مقدماتی و پیشرفته نواختن دف شرکت میکنند

کاردستی و خلاقیت







از کاغذهای رنگی تا نی‌های ساده، از دکمه‌های کوچک تا مقواهای بی‌جان، همه به کار گرفته می‌شوند تا هنری نو خلق شود.
بچه‌ها در این کلاس، نه فقط دست به ساختن می‌زنند، بلکه ذهن و ذوق‌شان را هم هر بار از نو می‌سازند.
۱۱ توانخواه هنرجو در کنار مربی‌شان زیبایی را مهمان چشم هر بیننده می‌نمایند.

تاپستری (بافت‌های هنری)



این کلاس، یکی از خاص‌ترین تجربه‌هاست.
تاپستری، با آن رشته‌های رنگی و الگوهای پیچیده، بستری‌ست برای صبر و ذوق.
هر نخ، با دستانی گاه ناتوان، اما با اراده‌ای قوی، در جای خود گره می‌خورد و کم‌کم، تابلویی از رنگ و نقش و عشق شکل می‌گیرد.
۱۷ نفر از محصلین، زنان و مردان در این کلاس حضور دارند

نیازمندی‌های این خانه

نیازهای فعلی

البسه و کفش مردانه	۲۰۰ دست
البسه و کفش زنانه	۱۳۰ دست
لباس بچه	۲۰۰ دست
دمپای (مردانه،زنانهو بچگانه)	۵۲۰ عدد
بلوز ورزشی	۲۵ دست
پارچه تریکو	۵۵۰ متر
تی شرت و شلوار	۵۲۰ عدد
کامپیوتر	۵ دستگاه
کمد کنار تخت	۳۱۰ عدد
ویلچر ورزشی	۵ دستگاه
پتو یک نفره	۳۰۰ تخته
متقال متخلخل حمام	۴۵ عدد
پوشک ایزی لایف	۳۰۰ بسته
گاز جهت پانسمان	۳۵ کیلو
پارچه متقال	ماهیانه ۱۲۰۰ متر
مشمع بیمارستانی	۳۰ رول
پرینتر	۵ عدد

مصارف ماهانه

پارچه محلفه سفید	۶۰۰ متر
حوله دستی	۱۰۰ عدد
حوله حمام	۵۰۰ عدد
دارو	۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
شامپو بچه	۱۰۰ عدد
صابون مایع	۱۰۰۰ لیتر
صابون حمام	۲۵۰ لیتر
مایع ظرفشویی	۳۰۰ لیتر
شامپو بزرگسال	۲۰۰ قوطی
قاشق کوچک	۳۰۰ عدد
سرشیشه شیر	۳۰۰ عدد
سرکلاک	۲۲۰ قوطی
روغن زیتون	۱۵ لیتر
لوازم بهداشتی و پزشکی	۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

حلوا یک نفره	۳۰۰۰ عدد
برنج	۱۸۰۰ کیلو
رب	۴۵۰ قوطی
روغن	۶۰۰ کیلو
چای	۱۰۰ کیلو
مرغ	۶۰۰ کیلو
گوشت قرمز	۱۳۰۰ کیلو
گوشت ماهی	۱۲۰ کیلو
قند	۵۰۰ کیلو
شکر	۴۰۰ کیلو
حبوبات	۴۵۰ کیلو
انواع سبزیجات	۸۰۰ کیلو
پنیر	۱۵۰ کیلو
شیرپاکتی	۴۲۰۰ عدد
کره ۱۵ گرمی	۲۰۰۰ عدد
ماست تازه	۱۸۰۰ کیلو
ماست چکیده	۴۰۰ کیلو
تخم مرغ	۴۰۰ کیلو
عسل	۴۰ کیلو
صیفی جات	۱۵۰۰ کیلو
میوه	۷۰۰ کیلو
ماکارونی	۲۱۰ کیلو
رشته فرنگی	۷۰ کیلو
ادویه	۵۰ کیلو
مربا نفری	۲۰۰۰ عدد





فاطمه خاکشور (پروانه)

از روستا تا آسایشگاه



● فاطمه غیاثی نژاد

در کتابخانه منتظرش نشسته بودم. به کتاب‌ها نگاه می‌کردم و به تابلوهای نقاشی زیبایی که درست آنجا جلوی قفسه‌های بلند کتاب، هر نگاهی را به دست لطیفِ رنگ‌ها نوازش می‌کرد. چند دقیقه بعد با لبخندی دلنشین و سلامی گرم وارد شد. از دیدارش ابراز شوق و خوشحالی کردم و احوالپرسی کردیم. چقدر آراسته و مهربان بود؛ خوش‌رو و زیبا کلام. گفت: «خب، از کجا شروع کنم؟». خندیدم و گفتم: **«دقیقا از هر آنجا که دوست داری.»**

من، فاطمه خاکشور هستم؛ متولد سوم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۷۶. از سال ۹۷ وارد آسایشگاه خوب فیاض‌بخش شدم. پیش از آن در یک روستای کوچک و زیبا در نزدیکی نیشابور به نام حسن آباد بلهر در خانواده‌ای دوست داشتنی زاده و بزرگ شدم. روستا امکانات زیادی نداشت و من تا ۱۸ سالگی آنجا زندگی کردم و تحصیلاتم را تا کلاس ششم ادامه دادم. عمیقا علاقه داشتم تا هرجا که می‌شود تحصیل را ادامه بدهم و در درس خواندن پیشرفت کنم اما متاسفانه کلاس‌های بعد از پایه ششم در شهر تشکیل می‌شد که من با توجه به شرایطم امکان زندگی خوابگاهی را نداشتم. البته ناامید نشدم و اکنون درس می‌خوانم.

فاطمه عزیز، چه اتفاقی افتاد که شما توانستی از روستای حسن آباد برای زندگی به اینجا بیایی؟

خب همایش‌هایی وجود داشت که در نیشابور و مکان‌های بزرگتر از روستا شکل می‌گرفت و من مثلا برای روز معلولین و بعضی مناسبت‌ها دعوت می‌شدم. مادرم علیرغم ابتلا به بیماری پارکینسون تلاش می‌کرد، مرا به همه این همایش‌ها برساند و همیشه در زندگی حامی مهربان و دلسوزم بوده است؛ ایشان و خانواده‌ام را بسیار دوست دارم. فرصت‌های ارزشمندی در اینگونه رویدادها رخ می‌داد که من به آن‌ها توجه می‌کردم و غنیمت می‌شمردم. به عنوان مثال، مددکارانی بودند که دلسوزانه تشویقم کردند به رشد و پیشرفت فکر کنم و هرگز از پرورش استعدادهایم غافل نشوم. این جملات تاثیر خاصی در ذهن و زندگی‌ام داشت و باعث شد با وجود سختی‌های دور بودن از مادر عزیز و خانواده به دنبال رشد بیشتر به فیاض‌بخش بیایم. اینجا که آمدم در مرحله اول برای تطبیق با محیط تلاش کردم و خیلی زود به سراغ مسئول خوب روابط عمومی و امور فرهنگی رفتم و درخواست کردم با توجه به علاقه‌ام در زمینه تئاتر و به طور کلی هنر، کمکم کنند، عضو گروه‌های هنری باشم و بتوانم فعالیت کنم. اکنون چندسال است که در حوزه تئاتر و حتی گروه آوای فیاض‌بخش فعال بوده و در قصه‌خوانی برای کودکان و همینطور بخش‌هایی از کتابخانه، کار می‌کنم.

در این مسیر پر پیچ و خم، چالش‌هایی هم داشتی؟

از همان ابتدا که در کودکی با اشتباه پزشکی متاسفانه دچار معلولیت شدم، چالش‌های مختلفی در زندگی‌ام ایجاد شد. اما مهم‌ترین آن‌ها اکنون دوری از عزیزانی مثل مادر است که خب می‌دانم با وجود فاصله، ایشان عمیقا از خوشحالی و امکان پیشرفت من خوشحال هستند.

از تلاش ها و موفقیت‌هایت برایمان بگو؟

قطعا اولین آن‌ها تحصیل است که همواره عاشق درس خواندن و پیشرفت در درس بوده‌ام. اکنون کلاس نهم هستم و دلم می‌خواهد خیلی زود دیپلم بگیرم و در دانشگاه وارد رشته موردعلاقه‌ام که روان‌شناسی است بشوم. از دیگر دستاوردها، فعالیت‌هایی است که در تئاتر و کلا هنر داشته‌ام. به هنر، علاقه عمیقی دارم.

فاطمه‌جان، آینده را چگونه می بینی؟

بسیار امیدوارم که خوب باشد. دلم می‌خواهد روان‌شناسی بخوانم و روزی شاغل باشم. امیدوارم بتوانم از طریق فضای مجازی در مورد توان‌یابان اطلاع رسانی کنم و آموزش بدهم. همین حالا هم صفحه‌ای در فضای مجازی دارم که دکلمه می‌خوانم و به اشتراک می‌گذارم. دوست دارم در تصویر فرضی آینده از هنر، به جایی رسیده باشم.

از حس زندگی در آسایشگاه فیاض بخش دوست دارم بشنوم.

به نظرم این سوال خیلی بستگی به نوع نگاه و اهداف انسان دارد. من آدم امیدواری هستم و فیاض‌بخش را به همین دلیل خیلی دوست دارم. بسیار کمکم کردند که درس بخوانم و رو به جلو و در مسیر اهدافم حرکت کنم. ممکن بود هیچوقت نتوانم به اینجا بیایم و تا ابد در سکون خالی از رشد بمانم.

از روزمرگی زندگی قانعی؟ از اراده ات بگو .

همیشه دلم می‌خواست چیزی بیشتر از یک موجود فقط زنده باشم! می‌خواستم زندگی کنم. فقط نفس کشیدن، کافی نیست. تلاش کرده‌ام در تجربیات و زندگی حتی روزمره‌ام تغییرات مثبتی ایجاد کنم. من به ایستادن و حرکت نکردن، قانع نیستم و می‌خواهم رو به رشد باشم. خانواده‌ام با تشویق و حمایت همیشگی در این نوع نگاه، نقش بسیار موثری داشتند.

آیا تا به حال ناامید شده ای؟ اگر نه؛ چه چیزی موجب این همه امید و نگاه زیبایت به زندگی شده است؟

بدون شک خداوند. بارها مشکلاتی داشتم که به خاطرشان احساس خستگی و ناامیدی کرده‌ام اما به خودم گفته‌ام: مگر تو نبودی که به لطف خداوند در تمام سختی‌های پیشین، دوام آورده‌ای؟ پس حالا هم قوی بمان. خدا نیز کمکم کرده در تنهایی‌های تمام این سال‌ها، او همیشه همراهم بوده است.

آیا نکته‌ای دارید که به این گفت وگو برای من و خوانندگان عزیز اضافه کنید؟

بله،قوی بمانید و به زنده بودن قانع نشوید، هر اندازه دوستان، که می‌توانید زندگی کنید. و به سایر خوانندگان گرامی بگویم که همه انسان‌ها با معلولیت ممکن است تنها به میزان خدایی ناکرده یک تصادف یا یک رویداد کاملا اتفاقی، فاصله داشته باشند. مراقب مهر و عشق در وجودتان باشید و توجه کنید که همه ما در انسان بودن و عاطفه و فکر، یکی هستیم و محدودیت‌ها هیچکس را در به‌زندگی، کمتر یا بیشتر نمی کند.



ما را در غم خود شریک بدانید

حضور نیک اندیشان و نیکوکاران گرانقدر:

جناب آقای مهندس حمید رضا هاشم نیا عضو محترم هیأت امنای موسسه
جناب آقای دکتر محمد رضا اعطایی عضو محترم هیأت امنای موسسه
جناب آقای حاج حبیب عدالتیان عضو محترم هیات امنای موسسه
جناب آقای مقیدی عضو محترم هیأت مدیره موسسه
جناب آقای دکتر هاشم کمالی عضو محترم هیأت مدیره موسسه
جناب آقای دکتر مهدی فرساد
جناب آقای دکتر علی اکبر علی یاری بروجنی
خانواده های محترم قانعی و صدقی
جناب آقای دکتر احمد شعربافان
جناب آقای دکتر علیرضا سلامی
جناب آقای دکتر حمیدرضا سلامی
سرکار خانم دکتر صبا سلامی
جناب آقای خاتمیان و سرکار خانم عظیمی
سرکار خانم ربابه مشاری کاخکی
جناب آقای سعید پورقدیری
حضور همکاران محترم:
سرکار خانم لیلی صالحیان
جناب آقای سید علی و سید جلیل پنابادی
جناب آقای جواد رحمانیان
جناب آقای محمد سنچولی
جناب آقای زارع
جناب آقای جواد جعفری
سرکار خانم دوستار
جناب آقای هادی آگاه
جناب آقای حسین مقیمی
جناب آقای محمدرضا اعتصامی نیا
سرکار خانم وفایی
سرکار خانم حلیمه سلیمانی
جناب آقای امید استادی
جناب آقای سید محمد علی حسینی
جناب آقای خلیل فهیمی
سرکار خانم ربابه زائر
جناب آقای حسن دهقان
سرکار خانم مهدیه پوررجب

درگذشت توانخواهان عزیز را به دوستان و اهالی این خانه تسلیت می گوییم.

فاطمه اسماعیل پور
رقیه مشیر خادم
فرشته صحرا گرد
بتول اعتمادی
حمید دوستی نسب
میلاد مومیوند

با احترام؛ تحریریه شوق حضور به نمایندگی از هیأت مدیره،
مدیرعامل، کارکنان و فرزندان موسسه

در همه حال به یاد هم باشیم

تبریک و تسلیت، با فرهنگی نو و نیکو
در دنیای امروز، با یک تغییر ساده در سنت‌ها می‌توانیم گامی مؤثر در حمایت از نیازمندان برداریم. به جای تاج گل‌ها، استندهای تبریک و تسلیت را انتخاب کنید و با این عمل، فرهنگی نوین را در کنار هم رقم بزنیم.

این انتخاب نه تنها در اذهان ماندگار می‌شود و از اسراف جلوگیری می‌نماید
بلکه در راستای حمایت از ۵۵۰
فرزند این آسایشگاه، در مسیر درمان، تحصیل و توانبخشی آن‌ها نیز سهیم خواهید بود.
هر پیام شما، نه تنها حاوی کلامی محبت‌آمیز است، بلکه گامی
در جهت پیوند زندگی‌هایی است که در تلاش‌اند تا زندگی خود را بهتر سازند.

برای سفارش استندهای تبریک و تسلیت، با ما تماس بگیرید:
۰۵۱۳۶۶۶۶۰۰۰







The life story of all those who have entered this resort has a common idea, called altruism. More than fifty years ago, Dr. Mohammad Aristoopour and Abdullah Honari and their friends established this shelter. The tale was about giving shelter to the derelicts; reaching that purpose needed a peerless idea and strong will. Then, they thought to provide a better life for the disabled. Arastoopour and Honari construc
ted a building, including some dormitories and a tiny administrative department. the building ,1972 While in was opening, Honari had .passed away

Fayyazbakhsh

Activities, services, and a short report:

* the management system is based on a board of trustees;
* Donations and peoples' aid provide budgets and expenses;
* Monthly expenses of about 150,000 dollars.
* As the construction is old, rebuilding is on going;

1. 24-hour services for more than 500 disabled;
2. daily service for 1400 disabled who don't live in the center;
   a. including men and women: both infant and elder;

3. rehabilitation:
   a. physiotherapy;
   b. occupational therapy,
   c. speech therapy,
   d. psychology,
   e. hydrotherapy;

4. educational;
5. arts and cultural activities;
6. dental services;
7. skill training;
8. sports activities;

KINDNESS
IS A LANGUAGE
THAT ANIMALS
ALSO UNDERESTAND

God, We have everything we have thanks
to you and the kindness of your friends



قال رسول ا...(ص) مَنْ قادَ اَعمى أَرْبَعينَ خُطْوَةً غُفِرَلَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. (نهج الفصاحه، ش ۲۹۱٦)

دارلرعاية المعاقين شهيد فياض بخش(عبدا... هنرى) مشهد في لمحة

قطعة أرض من مدينة الجنة، في بلد ايران، أرض الشمس هي مأمن و بيت دافى للملائكة ارضية و بغير مأمن. املهم بعد ا... و امام الرئوف، امام الرضا(ع) يكون محسنين و حبهم و حنانهم مشمول ۵۵۰ معاق في هذه المعهد.

۱-تأسست هذه المؤسسة الخيرية في عام: ۱۳۵۰

۲-عدد المعوقين : ۵۵۰ معاق الجسديا و خدمة شهرية لـ ۱۲۰۰ معاق خارج من هذه المؤسسة

۳-الجنس: للرجال و للنساء

۴-العمر: من الرضيع الى المسنين

۵-الخدمات التي تقدمها هذه المؤسسة الخيرية: الخدمات الطبية / الخدمات النفسية / الخدمات الاجتماعية / الخدمات التربوية / الخدمات العلاج بالعمل / الخدمات العلاج الطبيعي / الخدمات التعليمي(من مرحلة الابتدائية الى الجامعية)

۶-العاملون: المدير العام / ناظر / طبيبة / رئيس ممرضات / ممرضة مسئولة / مدرسات / أخصائية نفيسة / اخصائية اجتماعية / اخصائية العلاج الطبيعي / أخصائية العلاج بالعمل / أخصائية العلاج بالنطق / أحضائية تغذية / محاسب عمال التنظيف / عمال الغسيل / فنيون / الطباخون

۷-نوع الادارة المعهد و التمويل و المصروفات : مجلس الأمناءو بمساعدة الناس

۸-المصاريف الشهرية للمؤسسة : ۲۲ مليارات تومان

۹-تكاليف الصيانة الشهرية لكل معوق: ۲۲ ملايين تومان

۱۰-النشاط التطوعى و المتطموعون:

الف: النشاط الطبى / ب: النشاط التعليمي / ج: النشاط الاجتماعي / د: النشاط الترفيهي / ه: النشاط الرياضية / و: النشاط الثقافية / ز: النشاط الدنيية

وفي الختام: نظرا لحقيقة أن بناء هذه المؤسسة مستهلک، فاننا نعيد بناء المبنى ونحتاج الى مساعدة اهل الخير

رقم حساب المصرفية : ۳۳۰۰۰۳۵۰/۷۰ رقم البطاقة المصرفية : ٦١٠٤٣٣٧٧٧٠٠٧٩٢٠٨

عنوان : مشهد المقدسة، ساحة شهيد فهميدة، دارلرعاية المعاقين شهيد فياض بخش(عبدا... هنرى)

الهواتف: ۹۸۵۱۳٦۵۸۲۱۸٤ +

آسایشگاه از نگاهی نزدیکتر

بیش از پنجاه سال پیش زنده یادان دکتر محمد ارسطوپور، محمد بهادری، دکتر خدیوی، قدس نهری، بلال لشکری و عبدا... هنری صفحاتی از زندگی‌شان را به گونه ای نوشتند که امروز نامشان در این خانه ماندگار شده است. این قصه از اندیشه در مورد زندگی افراد بی سر و سامان آغاز شد. فکر سامان‌دهی افرادی بی پناه، معلولانی که برای زنده ماندن جز تکدی‌گری راهی نداشتند و مطرود جامعه بودند، کاری بسیار بزرگ و سنگین بود و جز در پرتو اندیشه‌های پر بار و گام های بلند امکان پذیر نبود. سرانجام اولین تشکل معلولان به همت آن ها پدید آمد و هنری که در اثر سانحه‌ی رانندگی دچار معلولیت شده بود و با معلولان درد مشترک داشت، به پیشنهاد دکتر محمد ارسطوپور، مدیریت کار را به عهده گرفت. با برنامه ریزی ارسطوپور وتلاش وصف ناپذیر هنری، زمینی دریافت کردند و آسایشگاهی را با چند خوابگاه و یک بخش کوچک اداری به بهره‌برداری رساندند، اما عبدا...هنری قبل از افتتاح آسایشگاه درهشتم اردیبهشت ۱۳۵۰ ، دار فانی را وداع گفت و آسایشگاه با نام عبدا... هنری به بهره برداری رسید.

مددجویان: بیش از ۵۳۰ نفر با معلولیت غالبا جسمی حرکتی وهزار و دویست مددجوی غیر مقیم با دریافت خدمات روزانه در ماه، سیصد و پنجاه نفرپرسنل با مجموعه های تابعه، پذیرش مددجویان با معرفی‌نامه از سوی اداره‌ی بهزیستی و هماهنگی گروه‌های جامعه‌ی هدف بهزیستی خراسان رضوی.

درمانی: حضور پزشکان مقیم مرکز و ویزیت مددجویان توسط پزشکان متخصص در رشته‌های اورولوژی، پوست، ارتوپدی، داخلی، اعصاب و عمل‌های جراحی در بیمارستان‌های داخل شهرو خارج از استان.

واحدپرستاری: استقرار درهر بخش با پرونده ی ویژه ی درمانی و پزشکی برای هر مددجو.

توانبخشی:کاردرمانی،گفتاردرمانی،فیزیوتراپی،مددکاری، روانشناسی، هیدروتراپی، مهدکودک، اتاق بازی، مونتسوری و روانشناسی.

تغذیه وبهداشت: با حضورکارشناسان بهداشت محیط و تغذیه.

ورزش ضامن سلامت معلولین: ورزش صبحگاهی(همگانی)، فعالیت درشش رشته‌ی ورزشی، حضور درمسابقات کشوری و بین المللی و کسب مدال و مقام‌های ارزنده .

امور فرهنگی: آموزش قرآن، هنرهای نمایشی، هنرهای آوایی، بازی با رنگ،پتینه، عروسک سازی، خوشنویسی، نقاشی، کتابخوانی، دورهمی‌های فن‌بیان و میزگردهای فرهنگی، اوریگامی، قصه خوانی، شاهنامه خوانی، آموزش زبان انگلیسی، فعالیت چشمگیر ۲۲ تن از مددجویان کم‌توان در سوادآموزی.

تحصیل و آموزش: با دو بخش مجزای دانش آموزی دختران و پسران و تحصیل در مقاطع مختلف از پیش دبستانی تا دانشگاه، رسیدن به مدارج عالی کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترا و اشتغال به خدمت در مشاغل مختلف دولتی و خصوصی.

حرفه آموزی: نیمی از مددجویان، روزانه درحال آموختن مهارت و حرفه آموزی در بخش توانبخشی حرفه‌ای هستند.
خیاطی، معرق، کنده کاری روی چوب، مونتاژ، چرم دوزی، بافندگی ، فرش بافی، شمع سازی .

تهیه مسکن: توجه به ساخت مسکن برای مددجویانی که ازدواج نموده و مستقل شده اند از سیاست های این مؤسسه می باشد. ساخت مسکن در شهرک آسایشگاه شهید فیاض بخش با ۵۰ واحد و یک باب مسجد و ۱۸ واحد آپارتمان مناسب سازی شده در منطقه حجاب و اندیشه.

رفاه و اوقات فراغت: تشرف به حرم مطهر رضوی، اردوهای تفریحی در باغات و مناطق ییلاقی و اماکن تاریخی، فرهنگی و سفرهای تفریحی و زیارتی به نقاط مختلف کشور با حمایت نیکوکاران عزیز.

کلینیک دندانپزشکی: با حضور ۱۲۰ دندانپزشک افتخاری و حمایت و پشتیبانی نیکوکاران، علاوه بر ۵۵۰ فرزند این‌خانه در خدمت درمان بیماری‌های دهان و دندان معلولین عزیز استان، استان‌های هم جوار وحتی معلولین‌کشورهای همسایه نیز می باشد و بیش از ۱۳ هزار پرونده دندانپزشکی در این کلینیک وجود دارد.

تحولات: توسعه فضای ساختمانی بخش‌های چهارگانه، ساخت و توسعه‌مگارگاه‌های اشتغال، مجموعه ورزشی شادروان علی حمیدی، پارک به مساحت تقریبی دو هکتار، سردخانه زیر صفر و بالای صفر، رختشویخانه، آشپزخانه، حمام بهداشتی بخش اطفال و مردان و زنان، کارگاه صنایع سلولزی، کشتارگاه بهداشتی، آرایشگاه بخش مردان، سالن غذاخوری کارکنان و مددجویان، کتابخانه، کلینیک تخصصی دندانپزشکی، مجموعه آب درمانی و استخر سرپوشیده ویژه معلولان و شروع فاز اول طرح جامع با چشم‌اندازخدمات دهی شبانه روزی برای ۱۵۰۰ مددجو و همچنین خدمات دهی روزانه به عموم معلولین .

مرکز مثبت زندگی فیاض بخش: مراکز مثبت زندگی، مراکز جامع خدمات بهزیستی کشور هستند که بر پایه خدمات الکترونیک بنا نهاده شده اند. چیزی شبیه به دفاتر پیشخوان دولت که قرار است خدمات بهزیستی را، ساده تر و سریع تر و حتی در آینده، بدون مراجعه مددجویان یا خانواده هایشان به آنها ارائه دهند. ۲۲خدمت در این مراکز ارائه می شود که از ثبت درخواست مددجو و مصاحبه اولیه با وی، بازدید منزل و ارجاع درخواست وی به مراجع ذیربط بالاتر را در بر میگیرد.
درخواست هایی چون دریافت تسهیلات خود اشتغالی، تسهیلات ودیعه و تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی، کمک هزینه های درمانی و... در این مراکز بررسی و ثبت می شوند. مراکز مثبت زندگی نگرش اجتماع محور دارند و با کار تخصصی مددکاری اجتماعی رفع مسئله می کنند.

بزرگترین مؤسسه توانبخشی و نگهداری معلولین جسمی حرکتی کشور با خدمات کامل سرپرستی، درمان، توانبخشی، آموزشی، ورزشی، رفاهی و فرهنگی برای ۵۵۰ مددجوی ساکن مؤسسه از شیرخوار تا سالمند در چهار بخش اطفال، زنان، مردان و محصلین (دختر و پسر) خدمات دهی روزانه به ۱۴۰۰ مددجوی خارج از مؤسسه در ماه.
مخارج موسسه در ماه بیش از ۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (۲۲ میلیارد تومان) می‌باشد که بیش از ۸۰ درصد هزینه‌های آن توسط مردم نیکوکار تامین می‌گردد.

پنیری تر از همیشه

'Cheese Snacks'

چاکلز



SNACK

CHUCKLES



با شما همچنان قصه مهربانی ادامه دارد ...

مشهد، بزرگ راه امام علی (ع) - میدان شهید فهمیده به سمت میدان قائم(عج) جاده اختصاصی آسایشگاه

روابط عمومی ۳۶۶۶۶۰۰۰ - ۰۵۱ / تلفن خانه ۳۶۶۶۶۳۲۰ - ۰۵۱

دفتر مرکزی مشارکت ۳۶۶۶۶۱۶۶ - ۳۶۶۶۶۳۶۶ - ۰۵۱

کارت بانک ملی ۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۱۰۳۹۱ / کارت بانک ملت ۶۱۰۴۳۳۷۷۷۰۰۷۹۲۰۸

fayyazbakhshcharity

www.fbrc.ir